



FREEDOM NOW

Hogan
Lovells

گذشته و امروز؛ فعالیت جنبش های خودجوش مردمی زیر حاکمیت طالبان

جون 2024

فهرست مطالب

خلاصه	3
I. معرفی	5
II. روش تحقیق	10
III. واقعیت جدید جامعه مدنی تحت حاکمیت طالبان	12
IV. قانون و مقررات جامعه مدنی تحت تسلط طالبان	28
V. چارچوب بین المللی حقوق بشر برای حفاظت از جامعه مدنی افغانستان	35
VI. نتیجه گیری	38
VII. پیشنهاد ها	39

درباره نویسندگان

فریدم نو FREEDOM NOW

فریدم نو یک سازمان غیرانتفاعی و غیر حزبی در واشنگتن دی سی است که افراد و اجتماع ها را از سرکوب دولت ها محافظت نموده و از حقوق بشر با استفاده از حمایت قانونی مستقیم، اعمال فشار از طریق دادخواهی دفاع کرده، ظرفیت ها را ارزیابی و حمایت ارائه میکند.

هوگان لاولز

هوگان لاولز یک شرکت حقوقی بین‌المللی است که دفتر مرکزی آن در واشنگتن دی سی و لندن قرار دارد و ۲۶۰۰ وکیل در بیش از ۴۵ نمایندگی آن در سراسر جهان فعالیت می‌کنند. در کنار ارائه خدمات حقوقی، از جمله حقوق شرکت‌ها، حقوق مالی، مقررات جهانی، مالکیت معنوی، دعاوی قضایی، داوری و مسائل مربوط به استخدام، ارائه خدمات حقوقی رایگان از اولویت‌های استراتژیک و پایدار این نهاد است. وکلای ما به‌طور جمعی بیش از ۱۵۶,۰۰۰ ساعت از وقت و دانش حقوقی خود را به خدمات حقوقی رایگان اختصاص می‌دهند تا افراد نیازمند بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در سال ۲۰۲۳، شرکت هوگان لاولز در میان سه شرکت حقوقی برتر که بیشترین خدمات حقوقی رایگان را در بریتانیا ارائه می‌دهند، قرار گرفت

(Law.com International) و همچنین بالاترین رتبه در برنامه Law360 تحت عنوان "رهبران تأثیر اجتماعی" در سال ۲۰۲۳ را به دست آورد

خلاصه

بین سال‌های 2004 تا 2021، اصلاحات وارده توسط جمهوری اسلامی افغانستان زمینه شکوفایی و رشد بی سابقه ای را برای جامعه مدنی در افغانستان مساعد ساخت. با این حال، پس از اشغال دوباره کشور توسط طالبان در اگست 2021، وضعیت حقوق بشر به سرعت رو به وخامت گذاشته و منجر به آشفتگی جامعه مدنی افغانستان شده است.

گزارش حاضر تحلیلی از تغییرات در جامعه مدنی افغانستان است با شرح مفصل از (1) محیط خصمانه ای که جامعه مدنی تحت حاکمیت طالبان با آن مواجه است، (2) تغییرات در جامعه مدنی که این تحول بوجود آورده است و (3) چگونه فعالان و جنبش های خودجوش مردمی علی رغم سرکوب طالبان به ترویج حقوق بشر ادامه می دهد. این گزارش همچنین پیشنهاداتی به بازیگران مختلف بین المللی در مورد شیوه های بهتر حمایت از فعالان مردمی در محیط چالش برانگیز کنونی ارائه می دهد.

برای تهیه این گزارش از شیوه های متفاوت تحقیق چون بررسی جامعه مدنی کنونی در افغانستان، مصاحبه با اعضای فعلی و سابق جامعه مدنی، و مطالعه قوانین داخلی و بین المللی در مورد جامعه مدنی و موسسات غیر دولتی (NGO) کار گرفته شده است. علاوه بر این، از حساب های خبری قابل دسترس و عمومی در زمینه موضوعات مطرح شده توسط مصاحبه شوندگان نیز استفاده شده است.

این گزارش نشان می‌دهد که در حالیکه جامعه مدنی افغانستان در یک محیط پر از التهاب فعالیت میکند در عین حال، ترکیب و شیوه های عملیاتی آنها دستخوش دگرگونی اساسی شده است. از آنجایی که این محدودیت‌ها نهادهای رسمی حقوق بشر و نهادهای غیردولتی سنتی را مجبور به توقف فعالیت‌های شان کرده است، جنبش های خودجوش مردمی به حامیان اصلی حفاظت از این حقوق تبدیل شده‌اند. پاسخ‌های بررسی بر چهار حوزه موضوعی متمرکز بود که به شدت بر عملکرد جامعه مدنی تأثیر می‌گذارد:



مصونیت و امنیت:

اکثر پاسخ دهندگان از آزار و شکنجه توسط طالبان، زندان و در شدیدترین مورد از قتل های غیرقانونی، هراس دارند. با توجه به نگرانی‌های مصونیتی و امنیتی، که ناشی از تجربیات بسیاری از رهبران و رضاکاران در معرض تهدید و آزار و اذیت در رویدادهای عمومی است، بیشتر نهادها مجبور شده‌اند کار خود را از حوزه عمومی خارج کنند.



محدودیت‌ها از سوی طالبان:

در نتیجه پالیسی‌ها و اقداماتی که طالبان از زمان تغییر رژیم در سال 2021 به اجرا گذاشته اند بسیاری از افراد و گروه‌هایی که هدفشان ارتقای آموزش وترویج حقوق بشر و نیز رسیدگی به سایر مسائل حیاتی اجتماعی است، با محیط خصمانه‌ای رویرو هستند. این افراد و گروه ها (همچنین به عنوان مدافعان حقوق بشر نیز شناخته می‌شوند) به دنبال حفظ و ترویج حقوق بشر هستند.



محدودیت‌های مالی:

در حالی که در گذشته منابع مالی بین‌المللی و داخلی وجود داشت، از سال 2021 هیچ یک از نهادهای مورد بررسی از منابع خارجی حمایت مالی دریافت نکرده‌اند و صرفاً به جمع‌آوری کمک‌های مالی محلی و هزینه مالی شخصی خود وابسته هستند. از میان نهاد هایی که مورد بررسی قرار گرفتند، تنها دو نهاد توانسته‌اند برای حمایت از کار خود به حق عضویت و جمع‌آوری کمک مالی آنلاین تکیه کنند، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق (90٪) هیچ نوع بودجه دریافت نکرده‌اند. بدون دسترسی به منبع درآمد مستمر، این سازمان ها مجبور به فعالیت با بودجه اندک هستند که مانع انجام مؤثر فعالیت های آنها می شود.



پایداری و رشد درازمدت:

در حالی که تعداد زیادی از جنبش های خودجوش مردمی در داخل افغانستان به فعالیت خود ادامه می‌دهند، واضح است که تهدیدات امنیتی همیشگی و عدم دسترسی به منابع مالی، مانع پایداری، توانایی و ادامه رشد و فعالیت این سازمان‌ها در داخل افغانستان می‌گردد.

براساس نیاز‌های بیان شده توسط جامعه مدنی پیشنهاد‌های ما تمویل کنندگان، سازمان‌های بین‌المللی که در افغانستان حضور دارند؛ دولت‌های خارجی؛ سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی مرتبط؛ اعضای جامعه مدنی افغانستان که در تبعید هستند و سایر سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی را مخاطب قرار میدهد.

- نهاد‌های تمویل‌کننده:**

پیشنهادهات برای نهاد‌های تمویل‌کننده بر پذیرش و انطباق معیار‌های آنها با تغییرات در جامعه مدنی افغانستان متمرکز است. تمویل‌کننده‌ها باید جنبش‌های خودجوش مردمی در حال افزایش را به رسمیت شناخته و معیار‌های‌شان را طوری عیار بسازند که جنبش‌های که به تازگی تشکیل شده‌اند یا ظرفیت اداری محدودی دارند، به منابع مالی دسترسی پیدا بتوانند. همچنان تمویل‌کننده‌ها باید بودجه اختصاصی را برای تقویت ظرفیت و گسترش جنبش‌های مردمی، و همچنین رسیدگی به چالش‌های سلامت روان که فعالین مدنی با آن مواجه هستند، در نظر بگیرند.

- سازمان‌های بین‌المللی که در افغانستان حضور دارند:**

به سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی فعال در افغانستان پیشنهاد می‌گردد تا ارزیابی‌های منظم و جامع خطر را برای کارمندان و رضاکاران در داخل کشور انجام دهند و پالیسی‌های کاهش آسیب پذیری را روی دست بگیرند. این سازمان‌ها نهاد‌های جامعه مدنی و جنبش‌های تحت رهبری زنان را در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی و دخیل بسازند و در عین حال صدای جوامع به حاشیه رانده شده در جریان تماس‌شان با طالبان و جامعه بین‌المللی باشند.

- دولت‌های خارجی:**

پیشنهاده‌ا برای دولت‌های خارجی که به دنبال ارتقای حقوق بشر در افغانستان هستند، شامل به رسمیت شناختن نقش جنبش‌های خودجوش مردمی، به ویژه جنبش‌های تحت رهبری زنان، در دفاع از فضای مدنی در افغانستان است. دولت‌هایی که بودجه جامعه مدنی را تأمین می‌کنند باید توصیه‌های پیشنهاد شده از سوی نهاد‌های تمویل‌کننده را بپذیرند و بودجه درازمدت به نهادهای مردمی جامعه مدنی که در حال افزایش هستند، تخصیص بدهند. مهم‌تر از همه دولت‌ خارجی بخصوص کشورهای مهاجرپذیر باید مسیرهای امن و سریع از جمله صدور ویزه را برای فعالین مدنی که زندگی آنها تحت حاکمیت طالبان در خطر است فراهم کند.

- سازمان ملل:**

به سازمان ملل متحد و کشور‌های عضو آن پیشنهاد می‌گردد، تا حمایت از فعالین مدنی را در اولویت قرار بدهند. مخصوصاً، سازمان ملل باید منابع و توجه خود را به مذاکره برای آزادی فعالان زندانی از زندان‌های طالبان اختصاص دهد. علاوه بر این، سازمان ملل باید با گروه‌های مختلف مردم افغانستان از جمله جنبش‌های مدنی مردمی بطور منظم مشورت نموده و نظریات آنها را در روند تهیه استراتژی یوناما و تماس با طالبان در اولویت قرار دهد.

- جامعه مدنی افغانستان در تبعید و سایر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی:**

پیشنهاده‌ها به فعالان مدنی در تبعید و غیره سازمان‌های بین‌المللی به رساندن پیام‌های جنبش‌های خودجوش مردمی از داخل کشور، از جمله صدای مدافعان حقوق بشر زن متمرکز است. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نیز باید حمایت مالی از جنبش‌های مردمی در افغانستان، از دیاد منابع و ظرفیت‌سازی به منظور افزایش و گسترش فعالیت‌های این جنبش‌ها را در مرکز کارشان قرار بدهند. جامعه مدنی در تبعید و سایر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، در صورت امکان، باید برای ایجاد راه‌های خروج امن و اخذ ویزا برای فعالین مدنی که دیگر در افغانستان امنیت ندارند، دادخواهی کنند.

جنبش‌های خودجوش مردمی، عامل حیاتی تغییر مثبت بوده و روحیه کنش‌گری و مشارکت اجتماعی را تحقق میبخشند. جامعه بین‌المللی وظیفه دارد که کار آنها را به رسمیت بشناسد و به طور جدی در نظر بگیرد و در عین حال حمایت لازم را برای تأثیر گذاری بیشترشان به آنها ارائه دهد. انجام این کار به پیشرفت حقوق بشر، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار در اجتماع‌ها در سراسر جهان کمک خواهد کرد. با هم می‌توانیم آینده‌ای فراگیرتر و عادلانه برای همه ایجاد کنیم.

۱. معرفی

از پایان دوره اول طالبان در افغانستان در سال **2001** تا آغاز دوره دوم طالبان در سال **2021**، جامعه مدنی افغانستان از امنیت، اداره و منابع مالی نسبی برخوردار بودند که باعث رشد و شکوفایی این نهاد‌ها شد.

در این دوره، دولت جمهوری اسلامی افغانستان رویکرد بسیار متفاوتی نسبت به رژیم طالبان در مورد حقوق مدنی و سیاسی در پیش گرفت و هدف آن حمایت از برخی حقوق و آزادی‌ها بود که برای توسعه یک جامعه مدنی قوی و مؤثر ضروری است. از جمله مهم‌ترین تغییرات، توانمندسازی زنان و اقلیت‌های قومی برای مشارکت بیشتر در زندگی عمومی، توام با برابری در حوزه‌های آموزشی، اجتماعی و محیط‌کاری بود. نتیجه تغییرات تحت دولت جمهوری اسلامی افغانستان در مقایسه با رژیم طالبان که تازه از کار افتاده بود، این بود که به سازمان‌های جامعه مدنی اجازه داد تا به شیوه‌ای نسبتاً آزاد فعالیت کنند.

با سقوط کابل و آغاز دوره دوم طالبان در افغانستان، فضای محدود‌کننده برای جامعه مدنی افغانستان بازگشته است. در پاسخ به محدودیت‌های جدید طالبان بر آزادی‌های مدنی و سیاسی، به‌ویژه آزادی‌های زنان و گروه‌های قومی به حاشیه رانده شده، جامعه مدنی هم از نظر ترکیب و هم از نظر فعالیت‌هایش دستخوش تغییرات قابل‌توجهی شده است.



برخی از نهادهای جامعه مدنی بیشتر بر ارائه خدمات قانونی و نمایندگی مستقیم از متضررین خشونت های خانوادگی تمرکز داشتند. برای بسیاری از زنانی که قضیه های قانونی شان طی مراحل میشد، سرپناه فراهم کرده بودند. با بازگشت طالبان هیچ یک از اینها اکنون وجود ندارد و مصونیت و امنیت زنانی که به این خدمات نیازمند بودند با خطر مواجه است. زنان در معرض آزار و حتی مرگ قرار دارند. هیچ مرجعی نیست تا در فقدان یک سیستم قانونی از آنها حمایت کند و ساختارهای جامعه مدنی که دسترسی آنها به خدمات و حمایت های حقوقی را تسهیل می کرد، دیگر وجود ندارد.

- فعال مدنی

در سال 2001، یک ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده به افغانستان حمله کرد و رژیم طالبان را که از سال 1996 در قدرت بود، سرنگون کرد و به ایجاد دولت جمهوری اسلامی افغانستان کمک کرد. در طول 20 سال بعدی، در حالی که جنگ بین نیروهای ائتلاف و شورش طالبان ادامه داشت، جمهوری اسلامی توانست زمینه ایجاد نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی بازتر به شمول مطبوعات آزاد و تعداد زیادی از سازمان های غیردولتی یا انجیوها را مساعد بسازد.

تحت دولت جمهوری اسلامی، زنان و اقلیت های قومی که در دوره اول طالبان کاملاً به حاشیه رانده شده بودند، توانستند به حقوق بیشتری برای مشارکت در امور مدنی و سیاسی دست یابند. بین سال های 2004 تا 2021، انتخابات منظم پارلمانی و ریاست جمهوری در افغانستان برگزار شد. بیش از ده میلیون افغان، که 41 درصد آنها زن بودند، برای رای دادن به انتخابات پارلمان و شوراهای محلی و انتخابات ریاست جمهوری 2004 ثبت نام کردند، در حالی که در سال 2005، این رقم به 12.5 میلیون

ثبت‌نام رأی‌دهندگان در افغانستان



تعداد کرسی های زنان در پارلمان: (2004)



2018: بیش از 400 زن در انتخابات پارلمانی شرکت کردند نسبت جمعیت زنان ثبت‌نام کرده برای رأی‌دهی

با 34 درصد از جمعیت زنان که برای رأی‌دهی ثبت‌نام کرده‌اند



یکی از دستاوردها و نقش های کلیدی جامعه مدنی قبل از طالبان، تلاش برای تقویت سیستم حقوقی، به ویژه دادخواهی برای قوانینی بود که از حقوق زنان محافظت می کرد، مانند قانون منع خشونت علیه زنان، پیش نویس قانون خانواده، و تسهیل دسترسی زنان به خدمات حقوقی. ثبت ازدواج و طلاق موضوع مهم دیگری بود که نهاد های جامعه مدنی از آن حمایت میکرد [و در اجرای آن موفق بود]. این قوانین و رویه‌ها از زندگی زنانی که با خشونت خانوادگی مواجه بودند محافظت می‌کرد.

- فعال

در کنار پیشرفت در عرصه سیاسی، در این دوره، آموزش زنان و دختران نیز به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرد، زیرا «دختران در دورافتادترین نقاط کشور توانستند به مکتب بروند. زنان جوان در دانشگاه های دولتی و خصوصی در دانشکده های مختلف از هنرهای زیبا گرفته تا دانشگاه های طبی، ادبیات و انجیری ثبت نام کردند. تا سال 2021، 27 درصد پارلمان افغانستان و 21 درصد کارمندان دولت را زنان تشکیل می دادند.³ در زمان دولت جمهوری اسلامی، تعداد دانش آموزانی که در مکاتب ثبت نام کردند، ده برابر افزایش یافت، در حالی که 21 درصد از دانشجویان دانشگاه ها را زنان تشکیل می دادند. اگرچه تحصیل و اشتغال دختران در این دوره در مناطق تحت کنترل طالبان افغانستان به شدت محدود بود،⁴ اما دولت جمهوری اسلامی به شدت از تحصیل و اشتغال زنان در مناطقی که بر آنها کنترل داشت حمایت کرد.⁵

تحت حکومت جمهوری اسلامی، نهاد های جامعه مدنی در افغانستان اشکال گوناگونی داشتند و بسیاری از خدمات حیاتی، از جمله حمایت حقوقی و سلامت روانی، پناهگاه های امن به متضررین خشونت های خانوادگی و دسترسی به آموزش برای زنان را ارائه می کردند. یک بررسی از چشم انداز نهاد های غیردولتی در افغانستان که در سال 2016 انجام شد، داده های 891 نهاد غیردولتی را از سال 2000 تا 2014 ارائه کرد که اکثریت آنها بر آموزش، مراقبت های صحنی و آموزش حرفه ای متمرکز بودند. در سال 2012، 701 نهاد غیردولتی در یک زمان در کشور ثبت شدند که اوج تاسیس نهاد های غیردولتی را نشان میداد.⁶ نهادهای غیررسمی و مردمی در کنار گروه‌های رسمی‌تر در قالب شوراهای و شوراهای محلی وجود داشتند.

انکشاف جامعه مدنی پویا یکی از دستاوردهای کلیدی جامعه جهانی و دولت های قبلی افغانستان بین سال های 2002 تا 2021 تلقی می شد. تا سال 2018، 1863 نهاد غیردولتی ثبت شده بودند که بیش از 2500 پروژه را با هزینه کلی 876 میلیون دالر تطبیق میکردند در حالیکه 69 درصد این تطبیق کنندگان این پروژه ها نهاد های غیردولتی محلی بودند.⁷ در کنار این گروه‌ها، انجمن‌های بی‌شماری در سطح جامعه، شوراهای غیررسمی بزرگان و گروه‌های رضاکار مردمی در این دوره برای حمایت از حقوق بشر و ارتقای اصلاحات و برابری اجتماعی تشکیل شدند.



تمام منظره رشد جامعه مدنی زمانی که طالبان کنترل کشور را در اگست 2021 به دست گرفتند، تغییر کرد. در 15 اگست 2021، طالبان کابل را تصرف کردند و هزاران نفر و تعداد زیادی از افغان ها تلاش کردند تا از کشور خارج شوند.⁸ بسیاری از مقامات ارشد دولتی، از جمله رئیس جمهور منتخب اشرف غنی، کشور را ترک کردند. طولی نکشید که طالبان خود را حزب حاکم افغانستان اعلام کردند، پس از آن ساختارهای رسمی جامعه مدنی در افغانستان عملاً فروپاشید و تعداد کمی از نهادهای جامعه مدنی و جنبش‌های خودجوش مردمی جدید باقی‌ماند تا این خلا را پر کنند.

فعالان مردمی و رضاکاران در افغانستان علیرغم چالش‌های عظیمی که با آن روبرو هستند، به کار خود برای کاهش بدترین آسیب‌های اجتماعی و ارتقای حقوق بشر تحت حاکمیت طالبان ادامه داده اند. حملات هدفمند طالبان، محدودیت‌های مالی و موانع عملیاتی متعدد، کار آنها را به طور فزاینده‌ای با چالش مواجه ساخته است. در حالی که دشواری این فضای جدید باعث شده است که برخی از نهاد‌های جامعه مدنی به کار خود پایان دهند، جنبش‌های خودجوش مردمی همچنان در دفاع از حقوق زنان، عدالت اجتماعی و آموزش برای دختران نقش مهمی را ایفا میکنند.

این گزارش تغییرات شگرفی را که جامعه مدنی در افغانستان از اگست 2021 تاکنون متحمل شده است، بررسی می‌کند. این گزارش با استفاده از تجربیات کنشگران فعال در افغانستان امروز، راهکارهایی را بررسی می‌کند که جامعه مدنی برای سازگاری با چالش‌های عملیاتی جدید روی دست گرفته تا برای ترویج حقوق بشر و عدالت اجتماعی به رغم سرکوب طالبان ادامه بدهند. این گزارش با ارائه تصویر روشنی از جامعه مدنی جدید که پس از تسلط طالبان پدید آمده است و شناسایی چالش‌ها و موانعی که آنها با آن روبرو هستند، به جامعه جهانی ابزاری را معرفی میکند تا با استفاده از آن فعالان مردمی حمایت شوند تا آنها به فعالیت خود ادامه دهند.

این گزارش به پنج بخش تقسیم شده است. بخش بعدی یا بخش دوم، اطلاعاتی در مورد روش تحقیق که در تهیه این گزارش استفاده شده، ارائه می‌دهد. بخش سوم به ترکیب فعلی نهاد‌های جامعه مدنی در افغانستان و موانع اصلی فرا راه کار آنها می‌پردازد. بخش چهارم به بررسی قوانین و اداره طالبان و تاثیر آن روی شکل دادن کار جامعه مدنی در افغانستان تمرکز دارد. بخش پنجم تعهدات حقوقی بین‌المللی اداره طالبان را در رابطه

با حقوق جامعه مدنی ارزیابی می‌کند. در نهایت، بخش ششم با پیشنهاد هایی به پایان می‌رسد که هدف آنها ترویج و حمایت از جنبش‌های خودجوش مردمی در افغانستان امروز است. این پیشنهاد ها بازیگران کلیدی مختلف، از جمله جامعه تمویل کننده، سازمان‌های بین‌المللی مستقر در افغانستان، دولت‌ها، سازمان ملل متحد و نهاد‌های جامعه مدنی افغانستان و فعالانی که در حال حاضر در تبعید هستند، را مخاطب قرار میدهد.



جامعه مدنی "مردمی" چیست؟

از زمان بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان و فروپاشی ساختارهای رسمی جامعه مدنی، تعداد زیادی از این جنبش‌های خودجوش مردمی و معترضین مدنی در سراسر کشور ظهور کرده و تلاش دارند تا در مورد جنایاتی که توسط طالبان انجام می‌شود، آگاهی دهی کنند و نگذارند طالبان صدا‌های منتقدین‌شان را خفه سازند. این گروه‌ها بر دلایل مختلفی از جمله دفاع از ارزش‌های حقوق بشر، حقوق زنان و دسترسی برابر به آموزش برای همه و همچنین حفاظت از فضای مدنی که به شدت توسط سیاست‌های ظالمانه طالبان محدود شده است، تمرکز می‌کنند. پس از ممنوعیت اشتغال زنان توسط طالبان و تعطیلی اکثر نهاد‌های غیردولتی تحت رهبری زنان در سراسر کشور، نقش این جنبش‌های خودجوش مردمی افزایش یافته است.

به طور کلی، این گروه‌ها هستند که در حال تبدیل شدن به شاهرگ حیاتی برای دفاع از حقوق زنان و ارتقای عدالت اجتماعی در افغانستان تبدیل شده‌اند.

اصطلاح "جنبش‌های خودجوش مردمی" به طور مکرر در این گزارش برای توصیف جامعه مدنی بصورت کل، اعضای آن و فعالیت‌های آن به کار می‌رود. برای اهداف این گزارش، «جنبش‌های خودجوش مردمی» به تلاش‌های جمعی سازمان‌یافته توسط افراد یا گروه‌هایی از شهروندان اشاره دارد که در حمایت از تغییرات اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی در سطح محلی متحد می‌شوند. ما در این گزارش در غیاب جامعه مدنی رسمی (مانند موسسات غیردولتی)، که تحت حاکمیت طالبان سقوط کرده است، بر این جنبش‌های خودجوش مردمی تمرکز می‌کنیم.

سازمان ملل جنبش‌های خودجوش مردمی را این‌گونه تعریف می‌کند: «این گروه‌ها اساساً از غیرنظامیانی تشکیل شده‌اند که از تغییرات در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی حمایت می‌کنند» و «بر مبنای رویکردهای جامعه‌محور برای رسیدگی به مشکلات محلی ایجاد شده‌اند».⁹ ساختار درون این گروه‌ها که با توجه به نگرانی‌ها و اولویتهای مردم عادی که هدف یا دیدگاه مشترکی برای جامعه خود دارند معمولاً از پایین به بالا پدید می‌آیند. دادخواهی این گروه‌ها شامل اشکال مختلف، از اعتراضات و تجمعات مسالمت‌آمیز گرفته تا سازماندهی اجتماعی، اقدام مستقیم و نافرمانی مدنی، میگردد. این گروه‌ها اغلب بر شیوه‌های کمپاین‌های خانه‌به‌خانه، دادخواهی از طریق رسانه‌های اجتماعی و جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی برای بسیج حامیان و ایجاد حرکت تکیه می‌کنند.

۱.۱. روش تحقیق

نهاد های فریدم نو Freedom Now و **هوگان لولز Hogan Lovells** ("**نویسندگان این گزارش**") **مشترکا این تحقیق را با هدف به دست آوردن داده ها و بینش های قابل اعتماد در رابطه با وضعیت جامعه مدنی مردمی در افغانستان پس از بازگشت طالبان به قدرت انجام داده اند.** برای جمع آوری داده های جامع و دقیق، نویسندگان با گروه ها و افراد مختلف از جمله جنبش های خودجوش مردمی و کنشگران مدنی در داخل کشور و اعضای جامعه مدنی در تبعید، مصاحبه هایی انجام دادند.

مصاحبه شوندگان این تحقیق بر اساس موضوعات مورد تمرکز، موقعیت جغرافیایی و قومیت شان انتخاب شدند تا اطلاعات جمع آوری شده متنوع بوده و از تمام جوامع و گروه های مختلف در افغانستان نمایندگی بتواند. شرکت‌کنندگان در این تحقیق، که بسیاری از آنها نهادهای رسمی و غیر رسمی را رهبری می‌کنند، در زمینه‌های متنوع چون رسیدگی به نیازها و چالش‌های گروه های آسیب پذیر به شمول حقوق زنان، حقوق گروه های قومی و مذهبی به حاشیه رانده شده، حقوق فرهنگی و دسترسی عادلانه و برابر به کمک های بشردوستانه می‌گردد، فعالیت دارند. خدماتی که این نهاد ها ارائه میکنند شامل آموزش و برنامه های ظرفیت سازی به ویژه برای زنانی است که به دلیل سیاست های طالبان قادر به دسترسی به آموزش رسمی نیستند، دادخواهی برای حقوق اساسی و بشری از طریق راه اندازی اعتراضات عمومی، هماهنگ ساختن کمک های بشردوستانه برای جوامع محروم، راه اندازی کتابخانه های مخفی و کمپاین های عمومی برای آموزش دختران، می‌گردد.



علاوه بر این، نهاد فریدم نو و هوگان با 5 عضو جامعه مدنی در تبعید مصاحبه هایی انجام دادند تا بینشی از تأثیرات و زیان های موجود در فضای مدنی از زمان بازگشت طالبان به قدرت، و همچنین تأثیر و نقش این تحول بر فضای جامعه مدنی در افغانستان در این دوره ارائه کنند. نویسندگان پرسشنامه ای مشخصی را که به طور خاص برای مسائل مربوط به اعضای جامعه مدنی در تبعید تنظیم شده بود، تهیه و این مصاحبه ها را انجام دادند. پرسش‌های مصاحبه حول درک این موضوع بود که چگونه سازمان‌های مردمی قبل از سقوط افغانستان برای حفاظت از ارزش‌های دموکراتیک، ارتقای حقوق زنان و اجرای تعهدات بین المللی حقوق بشری فعالیت میکردند و به این ترتیب تغییرات مهمی که از زمان بازگشت طالبان رخ داده است را برجسته بسازند.

در طول فرآیند تهیه گزارش، حوزه‌های تحقیقاتی بیشتری شناسایی شد که منجر به انجام دور دوم مصاحبه با پاسخ‌دهندگان نظرسنجی شد. این روشها کمک کرد تا یک گزارش جامع و درک کامل از چالش ها، فرصت ها و نیازهای جنبش های خودجوش مردمی فعال در افغانستان ارائه گردد. از آنجایی که اکثر جنبش هایی که با آنها مصاحبه شده است به دلیل محدودیت ها و دستورات اخیر طالبان مجبور شده اند به صورت مخفیانه فعالیت داشته باشند، مصاحبه های بعدی با استفاده از امن ترین پلتفرم هایی که امنیت شرکت کنندگان را به مخاطره نیاندازد، انجام شد. قابل ذکر است که در این گزارش، معلومات شخصی پاسخ دهندگان به دلایل امنیتی محفوظ باقی مانده است.

علاوه بر پرسشنامه ها و مصاحبه ها، تحقیقات کتابخانه ای گسترده در رابطه با چارچوب های قانونی کنونی و پیش از برگشت طالبان پیرامون جامعه مدنی و حفاظت از فضای مدنی، نیز انجام شده است که برای دانستن تعهدات قانونی طالبان برای حفاظت از فضای مدنی و ارزیابی اینکه چگونه اقدامات آنها این تعهدات را نقض کرده است، بسیار مهم بود. این تحقیق همچنین به تأیید این نکته کمک کرد که در نتیجه این تخلفات، اکثر گروه های جامعه مدنی دیگر قادر به فعالیت قانونی در داخل افغانستان نیستند، و نشان می دهد که چرا بسیاری از آنها مجبور به فعالیت مخفیانه، تحت شرایط بسیار خصمانه شده اند.

نویسندگان این تحقیق در ابتدا یک پرسشنامه را برای جمع آوری اطلاعات در مورد جنبه های مختلف فعالیت یک نهاد جامعه مدنی در افغانستان امروزی طرح و سپس آن را به دو زبان فارسی و پشتو ترجمه کردند تا تمام پاسخ دهندگان بتوانند بدون کدام محدودیت زبانی به آن دسترسی داشته باشند. سوالات نظرسنجی از سوالات چند گزینه ای ساده تر یا سوالات بله/خیر، تا سوالات بازتر با دامنه وسیع تر برای ارائه نظرات و توضیحات، که به تیم تحقیقاتی امکان می دهد طیف متنوعی از اطلاعات را جمع آوری کند و تعیین کند که کدام حوزه ها نیاز به کاوش بیشتری از طریق مصاحبه های بعدی دارند، را شامل می شد. اطلاعات جمع آوری شده شامل معلومات ابتدایی در مورد رهبران این نهاد ها از جمله نام، شماره تماس و قومیت، نام و سال تاسیس نهاد مربوطه آنها، و همچنین تعداد کارکنان و رضاکاران شاغل در آنها بود.

علاوه بر این، در مورد تمرکز کار شرکت‌کنندگان، چالش‌های عملیاتی و ماهیت همکاری بین نهادهای مختلف جامعه مدنی مردمی سوالاتی پرسیده شد. قدامت ایجاد نهاد ها، سوالاتی در رابطه با منابع مالی، شرایط ثبت نام و وجود فیزیکی این نهاد ها نیز شامل سوالنامه میشد. در همین حال، برای درک واقعی میزان خطرات و مشکلات گروه‌های فعال مدنی مردمی، بخش پایانی این نظرسنجی در مورد چالش‌های امنیتی عمده مانند بازداشت کارکنان، وقوع و دفعات بازرسی این نهاد ها از سوی طالبان تمرکز داشت. از آن‌عه اشتراک کنندگان که رهبری نهاد ها را بعهدہ دارند، در مورد نیازمندی های تقویت ظرفیت، مانند امنیت انترنتی، انکشاف سازمانی، نوشتن پروپوزل، مهارت‌های ارائه، مدیریت برنامه و آموزش مستندسازی سؤال هایی مطرح شد تا در یسیج منابع برای گسترش و تداوم کاراین نهاد ها کمک کند.

نهاد فریدم نو پرسشنامه را با 21 رهبر جنبش های خودجوش مردمی که در زمینه های مختلف از جمله حقوق زنان، حقوق گروه های قومی و مذهبی به حاشیه رانده شده، حقوق فرهنگی و دسترسی عادلانه و برابر به کمک های بشردوستانه کار می کنند، توزیع کرد. شرکت کنندگان مهلت دو ماهه داشتند تا پرسشنامه را به صورت کتبی تکمیل و به نویسندگان برگردانند. سپس با تعدادی از نهادهای جامعه مدنی برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در مورد چالش‌های امنیتی، محدودیت‌های مالی و مسائل کلیدی عملیاتی مصاحبه‌های انجام شد. برخی نقل قول ها از پرسشنامه ها و مصاحبه های که به انگلیسی انجام شده بود، ترجمه و در این گزارش درج شده است.



Ali Khara/Reuters

AP Photo/Ahmad Halabisaz

۱۱۱. واقعیت جدید جامعه مدنی تحت حاکمیت طالبان

از زمان تسلط طالبان در اگست 2021، افغانستان دستخوش نقض سریع حقوق شده است و خلای قابل توجهی در دسترسی شهروندان به بسیاری از برنامه های اجتماعی، به ویژه در زمینه هایی مانند مراقبت های صحتی و آموزش پدید آمده است. در این مدت، حاکمیت طالبان محدودیت‌های قابل توجهی را بر توانایی و فعالیت موثر جامعه مدنی اعمال کرده است.

نهادهای جامعه مدنی، به‌ویژه جنبش های خودجوش مردمی که بدون حمایت و وابستگی‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند، تقریباً روزانه با تهدیدات چون دستگیری‌های خودسرانه، مجازات‌ها و حتی قتل‌های غیرقانونی مواجه هستند. فعالیت در این زمینه چالش های جدید و منحصر به فردی را برای فعالان مدنی در افغانستان ایجاد می‌کند.



چالش های جامعه مدنی بجا مانده از قبل از 2021

جامعه مدنی افغانستان به کار در یک محیط عملیاتی چالش برانگیز عادت کرده است. مدت ها قبل از تسلط طالبان در سال 2021، گروه های جامعه مدنی با تهدیدها و موانعی مواجه بودند که دامنه پروژه ها و فعالیت های آنها را محدود می کرد. به دلیل جنگ مداوم بین طالبان و نیروهای تحت رهبری ایالات متحده، رشد جامعه مدنی در مناطقی متمرکز شد که عاری از درگیری و تحت کنترل امنیتی نیروهای تحت رهبری ایالات متحده بودند. آن دسته از اعضای که در مناطق تحت کنترل طالبان فعالیت می کردند، با خطرات قابل توجهی در عرصه امنیت فیزیکی خود مواجه بودند و در نتیجه کار خود را با خطرات شخصی بزرگ انجام می دادند.

علاوه بر این، حتی در مناطقی که جامعه مدنی محیط عملیاتی نسبتاً ایمن‌تری داشت، مسائل اداری مانند فساد مشکلاتی را برای بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی ایجاد کرده بود. به عنوان مثال، مقامات محلی که مسئولیت ثبت و نظارت بر سازمان‌های غیردولتی تحت جمهوری اسلامی را بر عهده داشتند، اغلب در ازای صدور جواز فعالیت، رشوه می‌خواستند. تداوم این شکل از فساد، بار اخلاقی و مالی را بر دوش جامعه مدنی که به دنبال فعالیت در افغانستان بودند، واگذار میکرد.

در این بخش، یافته‌های خود را با توجه به تجربه زیسته جنبش های خودجوش مردمی مردمی که تحت حاکمیت طالبان ادامه داده یا آغاز کرده‌اند، ارائه می‌کنیم. اولین بخش فرعی نمای کلی از انواع اعضای جامعه مدنی مردمی را ارائه می‌دهد که تحقیقات ما نشان می‌دهد که هنوز در افغانستان فعال هستند. سه بخش فرعی بعدی بر چالش‌های عملیاتی این نهادها تمرکز دارد و هر بخش به چگونگی انطباق این نهادها با وضعیت وخیم امنیتی، افزایش نظارت طالبان و تغییرات در منابع مالی پرداخته است. در نهایت، این بخش با شناسایی محرک های انگیزشی جامعه مدنی از سال 2021 با هدف ارزیابی مسیر و پایداری جامعه مدنی مردمی در این محیط جدید به پایان می‌رسد.



آناتومی جنبش های خودجوش مردمی فعال در افغانستان

مصاحبه شوندگان برای این گزارش متشکل از 21 جنبش خودجوش مردمی که در 21 ولایت از 34 ولایت کشور فعالیت می کردند و در مجموع شامل تقریباً 4600 کارمند و رضاکار می شدند. هدف این جنبش ها رسیدگی به طیف متنوعی از مسائل، از جمله حقوق زنان، حقوق گروه های قومی و مذهبی به حاشیه رانده شده، حقوق فرهنگی، و دسترسی عادلانه و برابر به کمک های بشردوستانه است. از آنجا که نهادهای نام برده نماینده جنبش های مردمی گسترده تر در افغانستان هستند، تحلیل زیر از ویژگی ها و روندها می تواند بینش مفیدی در مورد ماهیت عمومی تر جامعه مدنی در کشور ارائه دهد.

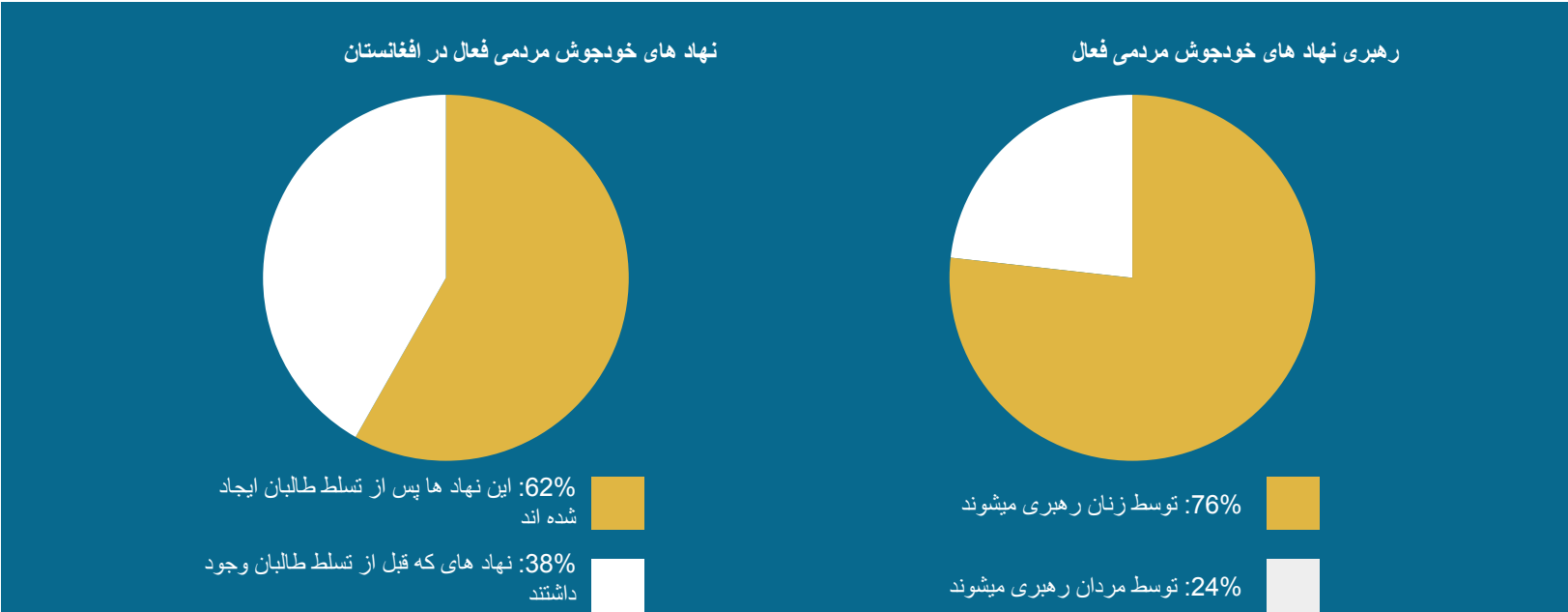
یکی از بارزترین ویژگی‌های نمونه، سابقه وجودی نسبتاً کم نهادهای مورد مصاحبه است. اکثریت این نهاد ها (62%) قبل از تسلط طالبان وجود نداشتند و تنها پس از سال 2021 تأسیس شدند. اگرچه بخش قابل توجهی از نهاد های رسمی جامعه مدنی قبل از سال 2021 فعالیت داشتند، اکثریت جنبش های خودجوش مردمی در واکنش به حاکمیت طالبان، تأسیس شده اند. نیاز به ایجاد نهاد های جدید به دلایل متعددی پدیدار شد. اول، بدتر شدن وضعیت حقوق بشر و بشردوستانه نیاز بیشتری به حمایت جامعه مدنی برای تشدید نگرانی های محلی و ارائه کمک به جوامع آسیب دیده ایجاد کرد. دوم، بسیاری از رهبران و کارمندان سازمان‌هایی که قبل از سال 2021 برای رسیدگی به مسائل حقوق بشر و بشردوستانه کار می‌کردند یا به خارج از کشور تخلیه شدند یا به دنبال تسلط طالبان مجبور به فرار از افغانستان شدند. بعلاوه، آن دسته از اعضای جامعه مدنی که باقی ماندند، با خطر شخصی فزاینده مرتبط با کارشان مواجه شدند (که در ادامه با جزئیات بیشتر بحث شده است)، که منجر به افزایش مقاومت در میان جامعه مدنی شد.

یکی دیگر از ویژگی های کلیدی نهادهای مورد مصاحبه، مربوط به رهبری آنها است. اکثریت بزرگ از این سازمان ها (76%) توسط زنان تحت رهبری میشوند. سرکوب منحصربهفردی که زنان تحت حاکمیت طالبان با آن روبه‌رو هستند، تا حدی نیاز به ایجاد چنین نهاد ها را توضیح می‌دهد که به طور خاص بر مسائل زنان تمرکز دارند. در حالیکه توقع می‌رود وضع محدودیت های شدید طالبان روی آزادی گشت و گذار زنان، دسترسی به آموزش، کار و زندگی عمومی تقریباً به صورت کامل زنان را از مدیریت و دریافت حمایت از نهاد های خودجوش مردمی منع ساخته اباشند، حقیقت اما برعکس آن است. با توجه به اوضاع قبل از طالبان، که در آن زنان به طور فزاینده‌ای تحصیل می‌کردند و می‌توانستند از حق مشارکت مدنی خود استفاده کنند، تلاش طالبان برای سلب حقوق و به حاشیه راندن سیستماتیک همه زنان در سراسر کشور یک گروه جدید و بزرگ از افراد تحصیل‌کرده و توانا را گردهم آورد. افرادی که دیگر نمی توانند کار کنند یا زندگی عمومی را که قبلاً به دنبال آن بودند دنبال کنند. بر این اساس، با توجه به فضای جدید تحت حاکمیت طالبان، در تعداد قابل توجهی از زنان هم انگیزه و هم ظرفیت پیگیری کار مدنی بوجود آمد. این فضای جدید توضیحی جزئی در مورد اینکه چرا اکثریت کسانی که پس از سال 2021 به فعالیت مدنی رو آورده اند، زنان هستند و چرا تعداد قابل توجهی از جنبش های فعال و اعتراضی در کشور تحت رهبری زنان بوده اند، ارائه می دهد.

علاوه بر این، همانطور که می توان از افزایش نیاز به توجه بر مسائل زنان پیش بینی کرد، اکثر نهاد های مورد بررسی بر کارهای مربوط به حمایت و ارتقای حقوق زنان متمرکز هستند. شایان ذکر است، شش سازمان (29 درصد) بر آموزش زنان تمرکز دارند و به دخترانی که از ممنوعیت حضور زنان و دختران از سوی طالبان در نهاد های آموزشی متضرر شده‌اند، آموزش می‌دهند. سایر موضوعات متقاطع اتخاذ شده توسط چندین سازمان عبارتند از: مشارکت زنان در فضای عامه، ارتقای حقوق فرهنگی، و حمایت از حقوق گروه های قومی به حاشیه رانده شده و اقلیت ها.

علیرغم ممنوعیت‌های صریح و محیط خصمانه، نهادهایی که با آنها مصاحبه کردیم در بخش های مختلف از ارائه خدمات مستقیم گرفته تا دادخواهی فعالیت دارند. آنانی که خدمات مستقیم ارائه می کنند، فعالیت هایی چون برگزاری کلاس ها و دسترسی به مواد آموزشی و کمک های بشردوستانه را شامل می‌گردد. نهاد هایی که مشغول دادخواهی استند، اکثراً تلاش میکنند ناشناس باقی بمانند، تا بتوانند برای جلب توجه به حوزه‌های موضوعی خود از طریق سازمان‌دهی اعتراض‌ها، آموزش حقوق بشر، مستندسازی و گزارش‌دهی، و تعامل با رسانه‌های بین‌المللی به فعالیت های شان ادامه بدهند.

جنبش‌هایی که برای این گزارش مصاحبه شده‌اند نمونه‌ای از جامعه مدنی مردمی افغانستان هستند که نو تأسیس بودند، رهبری از سوی زنان، تمرکز بر حقوق زنان و گروه‌های به حاشیه رانده شده، و مخالفت با بدتر شدن وضعیت حقوق بشر تحت طالبان آنها را مشخص می‌سازد. اگرچه مصاحبه های که برای این گزارش انجام شده نمیتواند نمایندگی ازتمام نهاد های جامعه مدنی مردمی در داخل کشور نماید، اما ویژگی های مصاحبه شوندگان به وضوح نشان می دهد که شهروندان افغان، به ویژه زنان، همچنان از جنبش های خودجوش مردمی که در پاسخ به به محیط سرکوبگر توسط طالبان ایجاد شده است، حمایت و به آنها می پیوندند. به دلیل سرکوب شدیدی که زنان تحت حاکمیت طالبان با آن روبرو هستند، تعداد زیادی از زنان در جنبش های خودجوش مردمی حضور دارند، که خود خطرات و موانع بیشتری را برای کار آنها ایجاد می کند. در بخش‌های بعدی، ماهیت دقیق این خطرات و موانع با جزئیات بیشتری بررسی می‌شود.



شرایط امنیتی برای جنبش های خودجوش مردمی

از زمان برگشت طالبان به قدرت تغییر اساسی که بر نهاد های جامعه مدنی در افغانستان تأثیر گذاشته است، بدتر شدن وضعیت امنیتی برای کسانی است که در این نهاد ها کار می کنند. بهیژه نهادهایی که عمدتاً به زنان خدمات ارائه می‌کنند یا توسط زنان رهبری میشود، امنیت فیزیکی کارمندان آنها در حال حاضر با تهدیدات قابل‌توجه مواجه هستند. این مشکل تنها به ناامنی عمومی خلاصه نشده بلکه کارمندان، رضاکاران و اعضای این نهادها به دلیل فعالیت های مدنی و فعالیت های خیریه شان، هم از سوی مقامات طالبان و هم توسط افراد غیردولتی مورد هدف قرار می گیرند.

مصاحبه شوندگان گزارش می دهند که اعضای جامعه مدنی با طیف وسیعی از خشونت از تهدیدهای کلامی و حملات فیزیکی تا بازداشت غیرقانونی و قتل روبرو هستند. چندین مصاحبه شونده نمونه هایی از زندانی شدن و شکنجه رضاکاران را ذکر کردند. سه نفر از مصاحبه شوندگان به طور خاص تهدیدهای مبنی بر آسیب فیزیکی را که از سوی مقامات طالبان در رابطه با کارشان دریافت کرده بودند، تشریح کردند و نسبت به احتمال بازداشت فراقانونی یا قتل ابراز نگرانی کردند.

یک مورد نمادین از استفاده طالبان از بازداشت غیرقانونی علیه فعالین مدنی، بازداشت فعال هزاره ظریفه یعقوبی است. در نوامبر 2022، طالبان ظریفه یعقوبی را در حالی که در حال برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی که در آن آغاز یک حرکت جدید مدنی به نام جنبش زنان افغان برای برابری را اعلام می کرد، بازداشت و ناپدید ساختند.¹⁰ یعقوبی 40 روز را در زندان های طالبان گذراند و در آنجا مورد آزار و اذیت های مختلف جسمی و روحی قرار

گرفت. یعقوبی در شرح جزئیات آنچه بر او گذشت اشاره می‌کند که به دلیل قومیت‌اش مورد رفتار خشن تر قرار میگرفت. این موضوع با دیدگاه های مصاحبه شوندگان در این گزارش که گفتند فعالین مدنی بر اساس قومیت شان با خطرات بیشتر مواجه میشوند، مطابقت دارد.

تقریباً نیمی از مصاحبه‌شوندگان گزارش می‌دهند که شایع‌ترین تهدیدی که با آن مواجه هستند، بازداشت‌ها و بازجویی‌های خودسرانه است که اغلب منجر به حبس طولانی‌مدت بدون روند قانونی می‌شود. استفاده طالبان از بازداشت فعالان اغلب غیرقابل پیش بینی است و باعث اختلال قابل توجهی در فعالیت های این جنبش ها و ادامه کار شان می شود.

نام خود من چندین بار توسط گروه های افراطی در لیست های تروریستی ذکر شده بود. اداره امنیت به من اطلاع داد و من باید تدابیر امنیتی خاصی را روی دست می‌گرفتم. بالاخره مجبور شدم دفتر را به خانه ام منتقل کنم تا رفت و آمد کم‌تر شود.

– فعال تبعیدی، کانادا

AWPMC

فضای امنیتی قبل از اگست 2021

همانطور که در بالا ذکر شد، درگیری های مسلحانه در افغانستان بین سال های 2001 تا 2021 خطرات امنیتی بسیار زیادی را برای بسیاری از اعضای جامعه مدنی که در سراسر کشور فعالیت می کنند ایجاد کرد. این تهدیدها عمدتاً از سوی گروه های وابسته به طالبان یا دیگر گروه های افراطی صورت می گرفت. یکی از مصاحبه شوندگان به رویداد اشاره کرد که یک مهاجم مسلح مواد منفجره را در خارج از ساختمانی که کنفرانس جامعه مدنی در آن برگزار شده بود منفجر کرد، اگرچه بعداً معلوم شد که کنفرانس متذکره هدف این حمله نبوده است.

علاوه بر این، طالبان یا سایر گروه‌ها اغلب مستقیماً اعضای جامعه مدنی را به دلیل کار یا شهرتشان هدف قرار می‌دادند. مصاحبه شوندگان می گویند که بودن نام آنها در لیست های کشتار منتشر شده توسط گروه های افراطی غیر معمول نبود.

"نام خود من چندین بار توسط گروه های افراطی در لیست های تروریستی ذکر شده بود. اداره امنیت به من اطلاع داد و من باید تدابیر امنیتی خاصی را روی دست می‌گرفتم. بالاخره مجبور شدم دفتر را به خانه ام منتقل کنم تا رفت و آمد کم‌تر شود."

– فعال تبعیدی، کانادا

اگرچه همه سازمان‌های فعال در کشور با خطرات امنیتی مواجه بودند، اما برخی از مناطق با خطرات بسیار بیشتری نسبت به سایرین مواجه بودند. بسیاری از مصاحبه شوندگان گزارش دادند که برخی ولایات برای کارمندان و رضاکاران به طور قابل ملاحظه ای خطرناک تر بودند. یکی از

مصاحبه شوندگان، که ریاست یکی از نهاد های جامعه مدنی را به عهده داشته و اکنون در تبعید به سر میبرد، گفت: «کارمندان ما که به ولایات می رفتند اغلب با تهدید مواجه بودند. در یک برنامه آموزشی حقوق بشر، یک مرد مسلح آمد و کارکنان ما را تهدید کرد که آموزش را متوقف کنند. اگر کسی تهدید می‌شد، او را به یکی از ولایات امن‌تر منتقل می‌کردیم.»

اگرچه برخی از مناطق فضای امن تری برای ادامه فعالیت های مدنی داشتند، اعضای جامعه مدنی که در مناطق به شدت محافظت شده کار می کردند، باز هم در معرض خطر بودند. مصاحبه شونده دوم، رییس یک نهاد مدنی در کابل در این دوره، بازگو می کند: «در سال 2012، در کابل، دفتر ما مورد حمله یک جنگ سالار قرار گرفت و ما مجبور شدیم دفتر خود را به مدت دو ماه تعطیل کنیم. سپس دفتر را بجای دیگری منتقل ساختیم و از کارکنان خواستیم که از خانه کار کنند. مدتی مخفی کار می کردیم.» درین مدت زمانی که ناامنی به اوج میرسید، خطرات امنیتی برخی از سازمان‌ها را مجبورمیساخت که به طور موقت فعالیت خود را متوقف کنند یا به فعالیت‌های خود بصورت مخفیانه ادامه دهند.

علیرغم خطر، سازمانها در جذب یا حفظ کارمندان و رضاکاران با مشکل مواجه نمیشدند. به گفته یکی از مصاحبه شوندگان، “در ولایات، برنامه ها به ویژه در بخش حقوق بشر مورد تهدید قرار میگرفت، اما هیچ کارمندی به دلیل تهدیدات امنیتی ترک نمیکرد.” در حالی که امکان فعالیت آزادانه و آشکار به میزان بیشتری در رژیم قبلی نسبت به حاکمیت طالبان وجود داشت، خطرات امنیتی قبل از سال 2021 باعث محدود شدن فعالیت‌های جامعه مدنی می‌شد.

[مردم می ترسند] در فعالیت های آموزشی زیرزمینی ما شرکت کنند

- فعال معارف، قندهار



اگرچه همه اعضای جامعه مدنی در معرض خشونت فیزیکی یا سلب آزادی قرار نمی گیرند، استفاده طالبان از تهدیدات کلامی و ارباب امری عادی است. مصاحبه شونندگان گزارش می دهند که به تکرار به صورت حضوری یا تلفنی به خشونت تهدید میشوند. تهدیدها توسط مقامات طالبان، یکی از شهروندان یا افراد ناشناس انجام میشود. با توجه به بازداشت ها کشتار گسترده در زمان طالبان،¹³ پیام‌های تهدیدآمیز و ارباب‌کننده باعث ایجاد احساس ترس و اضطراب فراگیر در میان رهبران، حامیان و کسانی می‌شود که از نهاد های جامعه مدنی خدمات دریافت میکنند.

علاوه بر این، چندین نهاد نسبت به تأثیر بازرسی خانه‌ها، محل‌های کاری و محافل خصوصی از سوی طالبان ابراز نگرانی کردند. دو نهاد به طور خاص مواردی را بازگو کردند که کارکنان و اعضای رضاکار مورد حمله قرار گرفته بودند. نفوذ به منازل اعضای جامعه مدنی، نه تنها کار اعضا را مختل می کند، بلکه اعضا و خانواده نزدیک آنها را در معرض تجربیات استرس زا و مخرب قرار می دهد.

در حالی که افراد طالبان شدیدترین و فراگیرترین تهدید برای جامعه مدنی تلقی میشوند، مصاحبه شونندگان همچنین گزارش می دهند که نهادها و اعضای آنها با تهدیدات قابل توجه فیزیکی از سوی افراد و گروه های ناشناس نیز روبرو هستند. چندین مصاحبه شونده گزارش دادند که حملات از سوی شهروندان یا گروه ها به طور فزاینده ای رواج یافته است. کارکنان و رضاکاران نهاد ها با آزار و اذیت افراد غیر وابسته به طالبان، به ویژه در رویدادهای عمومی مواجه شده اند. در نتیجه، بسیاری از فعالان فکر میکنند تجمعات عمومی یا آگاه شدن جامعه از کار شان، اعضای این نهاد ها را با خطر مواجه میسازد.

تهدیدها از سوی مردم به آزار و اذیت و خشونتی که برخی از گروه های به حاشیه رانده شده بدون توجه به مشارکت آنها در جامعه مدنی با آن مواجه هستند، می افزاید. به عنوان مثال، به دلیل فرهنگ به شدت مردسالارانه و حمایت محدود از حقوق زنان از سوی مردم، زنان مدافع حقوق بشر با

خطرات مرکب روبرو هستند که بخشی از آن به دلیل مشارکت آنها در فعالیت های مدنی و بخشی دیگر به دلیل زن بودن آنهاست. در نتیجه، کسانی که به گروه‌های به حاشیه رانده شده تعلق دارند و در جنبش‌های مدنی مردمی نیز شرکت می‌کنند، با آزار بیشتر ، ارباب و انتقام از درون جوامع خود مواجه می‌شوند. چند لایه بودن این خطر ها، بر بسیاری از اعضای نهاد هایی که برای این گزارش مصاحبه شده‌اند، درحالیکه زنان و اقلیت‌های قومی بخش قابل توجه آن را تشکیل میدهد، تأثیر گذاشته است.

محیط امنیتی سرکوبگر تأثیر آشکاری بر نهاد های خودجوش مردمی در افغانستان داشته است. نهاد های که با آنها مصاحبه شده است، خطرات امنیتی را یکی از موانع اصلی فرا راه کار خود میدانند که خسارات سنگینی بر اعضای آنها وارد می کند.

برخی از این نهاد ها میگویند، وضعیت امنیتی باعث شده آنها در مناطق و زون هایی که اعضای آن با خطر بیشتری روبرو هستند، مجبور شده اند برخی از فعالیت هایشان را توقف بدهند. یکی از شرکت کنندگان میگوید: «ما مجبور شدیم بیشتر فعالیت های خود را در [یک ولایت] به حالت تعلیق درآوریم زیرا انجا حملات به زنان شدیدتر است. این ولایت یکی از دورافتاده ترین ولایت است و کسی از ناپدید شدن زنان هزاره حتی خبر نمیشود.» نهاد های دیگر اما میگویند، این وضعیت منجر به توقف تمام فعالیت های آنها شده است.

نهادهایی که در این وضعیت به کار خود ادامه می دهند مجبور به اتخاذ تاکتیک های متفاوتی شده اند. مصاحبه شونندگان میگویند که آنها فعالیت های مخفیانه را آغاز کرده اند، کمپاین های دادخواهی را در جا های متفاوت برگزار میکنند، جلسات را پشت درهای بسته برگزار می کنند و از مکان های عمومی که ممکن است مورد هدف طالبان قرار گیرند اجتناب میکنند.

این تغییر در تاکتیک ها بر نحوه ارتباط این نهاد ها با مردم و رسانه ها نیز تأثیر گذاشته است. نهادهای غیردولتی و جنبش‌های خودجوش مردمی دیگر نمی‌توانند آشکارا اطلاعات را به اشتراک بگذارند یا رویدادهای عمومی را سازماندهی کنند، زیرا طالبان این فعالیت‌ها به عنوان چالشی برای اقتدار خود تلقی کرده و میترسند که منجر به دستگیری، بازداشت خودسرانه، مجازات‌های بدنی یا در جدی‌ترین موارد قتل اشتراک کنندگان شود. فیلمبرداری از رویدادها، کمپین‌ها و فعالیت‌ها، و اشتراک‌گذاری این مواد مدتی پس از برگزاری فعالیت ها با رسانه‌ها و نهاد های همکار، متحدان و حامیان شان در خارج از افغانستان یکی از روش‌هایی که اکنون توسط نهادها استفاده می‌شود.

مصاحبه شونندگان در این گزارش می گویند که در پاسخ به تهدیدهای امنیتی که اعضای این نهاد ها با آن مواجه هستند رویکردهای مختلفی را اتخاذ میکنند. "عدم موجودیت فضای امن برای جلسات" به تکرار به عنوان یک نگرانی امنیتی خاص ذکر شده است، چنانچه 67% مصاحبه شونندگان اظهار داشتند که آنها هرگز دفتری به دلیل نگرانی های امنیتی نداشته اند، در حالی

- فعال حقوق زنان، کابل

که دو نفر که دفتر داشتند هم پس از آنکه طالبان قدرت را به دست گرفتند مجبور به بستن آن شدند که این موضوع باعث میشود آنانیکه به نیازمند دفاع از حقوق شان هستند کمتر به این میکانیزم های حمایتی دسترسی پیدا کنند. به طور کلی، شدت تهدیدات امنیتی تحت حاکمیت طالبان باعث سرکوب و ممانعت از کار جامعه مدنی در ابعاد مختلف، هم از نظر عملیاتی و هم از نظر داشتن اعضا شده است. با وجود این چالش‌ها، گروپ‌های مورد مصاحبه همچنان مصمم به ادامه فعالیت‌های خود هستند، حتی اگر نیاز شود تطبیق فعالیت‌های خود را کاهش دهند تا اعضای شان کمتر با خطرات امنیتی مواجه شوند.

رژیم طالبان هم عامل مستقیم تهدیدات امنیتی برای گروپ های خودجوش مردمی است و هم مسئول ایجاد و ترویج فضای متخاصم برای جامعه مدنی است. بخش زیر حضور طالبان در قدرت و تأثیر آن بر کار گروپ های خودجوش مردمی فراتر از مسائل امنیتی، را ارزیابی می‌کند.



ما قبلاً تجمعات و تظاهرات‌ها را در پارک‌ها و مکان‌های عمومی سازماندهی می‌کردیم، اما دیگر نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. ما باید هم اکنون در خانه های خود جلسات مخفی و پنهانی برگزار کنیم و چند ماه بعد تصاویر و اخبار را در شبکه های اجتماعی قرار دهیم تا با اتهامات فوری یا حمله به محل جلسه مواجه نشویم و زندگی اعضای ما را با خطر مواجه نسازیم.

– فعال معارف، کابل

تأثیر محدودیت های طالبان بر فعالیت های جامعه مدنی

اعمال قوانین و محدودیت های سختگیرانه طالبان بر فعالیت های عمومی همچنان به شدت جامعه مدنی و مشارکت مدنی را در سراسر کشور محدود ساخته است. افراد و گروه‌هایی که هدفشان ارتقای آموزش، حقوق بشر و دیگر مسائل مهم اجتماعی است، با فشار شدید حاکمیت طالبان و مداخله در کار شان مواجه هستند.

طالبان قوانین و احکامی وضع کرده اند که به صراحت برخی از فعالیت های حقوق بشری را که اغلب هسته اصلی فعالیت های جامعه مدنی هستند، ممنوع می کند، مانند جرم انگاری طالبان از فعالیت هایی که شامل بحث های عمومی و تظاهرات مربوط به حقوق بشر است. در نتیجه، بسیاری از گروپ های خودجوش مردمی مجبور شده‌اند فعالیت های خود را پنهانی ادامه دهند تا ازین خطر ها در امن باشند.

نمونه بارز تغییراتی که در زمان طالبان رخ داده است، در بخش آموزش است. فعالان و نهادهای غیردولتی که روی مسائل دسترسی به آموزش کار می‌کنند، به دلیل سیاست‌های طالبان که دختران را از تحصیل منع می‌کند، با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. یکی از مصاحبه شوندگان، که کمپین های آموزش عمومی را انجام می دهد، میگوید: توزیع کتاب ممنوع شده است، برای کارهای جزئی، مانند کمپاین های آموزشی خانه به خانه و گردهمایی

با بزرگان جامعه برای ترویج حق دختران برای تحصیل، به جواز نیاز است که که کار ما را به چالش مواجه میسازد. آنها همچنین میگویند که دریافت تماس‌های تلفنی تهدیدآمیز و هشدارهای حضوری از سوی طالبان برای توقف فعالیت‌هایشان در صدر لست خطرات مستمر حفاظتی و امنیتی قرار دارد. مشکلات و چالش های عملیاتی نمایانگر فضای ظالمانه برای این نهاد و امثال آن است.

مانع مهم دیگر، محدود ساختن اشتغال زنان در نهادهای غیر دولتی داخلی و خارجی از سوی طالبان است.¹⁴ اگرچه در ابتدا آن را یک مانع موقت در نتیجه عدم رعایت قوانین پوشش اسلامی برای زنان مطرح ساختند، اما این ممنوعیت هنوز توسط مقامات محلی و ملی ادامه یافته است. در جنوری 2023، کابینه طالبان اعلام کردند که قصد دارند رهنمودهای جدیدی را تهیه کنند که بازگشت زنان افغان به کار در محدوده «فعالیت های بشردوستانه» را تسهیل کند. اگرچه تعداد بسیار کمی از مردم محلی یا ناظران خارجی بر این باورند که این ممنوعیت به طور واقعی و بصورت کامل لغو خواهد شد، به نظر می رسد برخی «استثناء ها، معافیت ها و مجوزهای» پیشنهادی وجود دارد که به زنان اجازه می دهد در بخش های حیاتی مانند صحت و آموزش¹⁵ کار کنند چون زنان را نمی توان به طور کامل از این عرصه ها حذف کرد، زیرا طالبان مردان را از درمان یا آموزش زنان منع می کند.

گزارش‌های اولیه نشان می‌دهد که فیصله های طالبان علیه زنان شاغل در هر منطقه به طور یکسان اجرا نمی‌شود.¹⁶ کسانی که می‌توانستند از خانه در پست‌های مدیریتی و فنی کار کنند، به کار ادامه دادند، در حالی که افرادی که در ساحه فعالیت داشتند و از محدودیت های فوق الذکر متضرر میشدند، با مقامات محلی توافق کردند که به صورت محدود کار کنند، با این توجیه که این کار را نمیتوان توسط مردان انجام داد. این محدودیت ها شامل پوشش کارمندان زن مطابق با معیارهای طالبان و همراهی از سوی یک «محرم» و مخفی نگهداشتن فعالیت های شان میگردد. این سازش ها به طور قابل توجهی بین ولایات متفاوت است، طوری که برخی از مقامات هر نوع کار زنان را منع قرار داده، در حالی که برخی دیگر به مذاکره با سازمان های غیردولتی تمایل نشان داده اند. رویه طالبان نشان می‌دهد که تصمیم‌ها کاملاً خودسرانه گرفته می‌شوند و از ولایتی تا ولایت دیگر متفاوت است، و ارائه تصویر واضح از محیطی را که این سازمان‌ها در حال حاضر تلاش می‌کنند در آن فعالیت کنند، دشوار می‌سازد. با این حال، حتی در مواردی که نهادهای تحت رهبری زنان اجازه کار دارند و از سوی وزارتخانه‌های مرکزی، مانند وزارت اقتصاد یا وزارت عدلیه اجازه نامه گرفته اند ، معمولاً از سوی مقامات محلی نادیده گرفته میشوند که نشان دهنده مشکلاتی است که سازمان ها را در ارائه خدمات به گروه های به حاشیه رانده شده با چالش مواجه میسازد.

یکی از پاسخ دهندگان در مورد تغییر در عرصه فعالیت های این نهاد ها چنین اظهار داشت:

” تقریباً تمام برنامه های ما به صورت مجازی برگزار می شود. فعالیت های ساحوی ما به طور کامل متوقف شده است. در دو یا سه فعالیت کوچک ما که ظرفیت‌سازی نهادهای مدنی است، یا کاملاً زنان حضوری و مردان به صورت آنلاین شرکت می‌کنند یا برعکس. زنان از خانه کار می کنند. مردها در دفتر هستند.”

یک از پاسخ دهنده گان که در یک نهاد غیردولتی کار می کند تأیید کرد که، اگرچه در ابتدا زنان به فعالیت آشکار در فضای مدنی ادامه دادند، در حال حاضر، تنها کارمندان زنی که اجازه ادامه کار در نهاد ها را دارند، کسانی هستند که مستقیماً در بخش مراقبت های صحی کار می کنند، و تأیید می کند که این ممنوعیت توسط طالبان به شدت اجرا می شود. تقریباً همه پاسخ دهندگان تأیید کردند که زنان اجازه ندارند در امور مالی یک نهاد غیردولتی دخالت داشته باشند، که نمونه دیگری است ازینکه محدودیت های طالبان بر زنان تا چه حد فضای نهاد های غیر دولتی را تحت نفوذ قرار داده است.



دفاتر تحت رهبری زنان یا ثبت نمیشوند یا اگر ثبت شده باشند، طالبان می گویند که معاون باید مرد باشد. اعضای هیئت مدیره همه مرد هستند.

- رییس یک نهاد غیر دولتی، کابل



حالا اگر گردهمایی تشکیل می دهیم، نمی توانیم بنرها و شعارها را از یک منطقه به منطقه دیگر برای اعتراضات خود انتقال بدهیم. حال باید به آن منطقه برویم و در داخل خانه ها بنر ها را پنهانی بنویسیم. اینها بنرهای ساده درباره حق تحصیل و حق زندگی هستند. . . . ما دیگر نمی توانیم در مورد حقوق بشر و آموزش صحبت کنیم. عاقبتش زندان است.

- فعال معارف، قندهار

از زمانی که طالبان زمام امور را به دست گرفتند، آنها اجازه ندادند که "کارمندان نهاد های غیر دولتی بدون اطلاع طالبان استخدام شوند، و اگر بخواهیم کارمندانی را زیر نظر طالبان تعیین کنیم، آنها به زور یکی از خودشان یا یک ملا را معرفی خواهند کرد." این محدودیت‌های غیررسمی و رسمی که بر عملکرد سازمان‌های غیردولتی اعمال میشود، چشم‌انداز فضای مدنی را به شدت تغییر داده و فضا را برای زنان تقریباً غیرممکن ساخته تا در نهاد های قانونی و ثبت شده نقش داشته باشند، و آنها را مجبور می‌کند که فعالیت خود را یا به طور کامل متوقف کنند، و یا به فعالیت های مجازی رو بیاورند. همانطور که چندین پاسخ دهنده ادعا می کنند که یا به این محدودیت ها تن بدهند، یا عقب نشینی کرده اجازه بدهند تا اختیار نهاد ها کاملاً تحت سلطه مردان و همسو با دکنترین سخت شریعت مورد حمایت طالبان باشند.

در نتیجه محدودیت‌های شدید همراه با مسائل امنیتی که در بخش قبل ذکر شد، بسیاری از جنبش های خودجوش مردمی مجبور هستند در خفا، اغلب بدون ثبت رسمی یا حضور فیزیکی فعالیت کنند. این موضوع چالش‌های جدی را برای این گروه‌ها ایجاد می‌کند، زیرا آنها باید برای انجام کارهای خود و دسترسی به مردمی که به حمایت آنها نیاز دارند به شبکه‌های شفاهی و شخصی تکیه کنند. آنها همچنین باید با دقت چشم انداز سیاسی در حال تغییر را دنبال کنند و مواظب باشند که فعالیت های آنها توجه طالبان یا سایر گروه های مسلح را جلب نکند.

اکثریت (86%) جنبش های خودجوش مردمی و نهادهای غیردولتی مورد بررسی ثبت نشده اند، که منعکس کننده ماهیت غیررسمی فزاینده و گسترده فعالیت هایی است که توسط جامعه مدنی انجام می شود. تنها یکی از نهادهای مورد بررسی که پس از تسلط طالبان ایجاد شده است، ثبت شده است. با این

حال، آنها میگویند که حتی ثبت بودن این نهاد لزوماً از آنها محافظت نمی کند. اقدامات طالبان به روشنی نشان داده است که آنها بدون در نظر گرفتن وضعیت رسمی، هیچ گروه یا فردی را که به عنوان تهدید علیه اقتدار خود تلقی کنند، تحمل نخواهند کرد.

چندین مصاحبه شونده که هنوز تحت تسلط طالبان فعالیت می کنند، گفتند که طالبان آنها را مجبور کرده اند تا نام ها و اهداف سازمان های خود را تغییر دهند تا از منعکس ساختن مسایلی مانند نابرابری جنسیتی در سیستم آموزشی و آگاهی از موجودیت نهاد های غیردولتی برای رسیدگی به این مسائل، خودداری شود. یکی از پاسخ دهندگان گفت: "ما محتوای برنامه را تغییر ندادهایم، اما نام آن را تغییر داده‌ایم. به جای آزادی، رفاه می نویسیم... اگر به تطابق موضوع با اسلام اشاره کنیم، به شرکت کنندگان مصونیت می دهد."

سایر مصاحبه‌شوندگان تأیید کردند که مجبور شده‌اند اساسنامه خود را اصلاح و موضوعاتی مانند حقوق بشر و حقوق زنان را حذف کنند. بدیهی است که برای ارائه تصویر از موجودیت نهادهای غیردولتی مجموعه ای از قوانین رسمی و مقررات غیررسمی تحمیل شده توسط طالبان استفاده می شود تا این تصور ایجاد نشود که مردم به نهادهایی که با مشکلات اجتماعی-اقتصادی یا سیاسی مبارزه می کنند، نیاز دارند و به طور ضمنی، کاستی های حکومت طالبان مشهود شود.

علاوه بر این، نهادهایی که شیوه فعالیت های خود را در همسویی با محدودیت های طالبان تطابق ندهند، با انحلال مواجه می شوند. بر اساس قانون فعلی نهادهای غیر دولتی، طالبان در بستن سازمان های غیر دولتی مخالف با تصمیمات آنها اختیار گسترده ای دارند.

اگرچه ما یک نهاد ثبت‌شده هستیم، اما کارکنان ما هنوز تماس‌ها و پیام‌های تهدیدآمیز دریافت می‌کنند.

- فعال مدنی، غور

چند ماه قبل وقتی تفاهنامه امضا میکردیم، آنها [طالبان] اساسنامه را پیش رویم گذاشتند و گفتند "شما کار سیاسی می کنید در حالی که به ما می گویند [شما] خدمات روان درمانی ارائه می کنید. این کلمات حقوق بشر، عدالت و قربانی و زنانه را حذف کنید در غیر این صورت تفاهم نامه امضا نمی شود." بمن گفتند که اکنون هیچ قربانی و بی عدالتی وجود ندارد و حقوق بشر برای همه شهروندان تضمین شده است.

- رییس یک نهاد، کابل

منابع مالی

تغییرات مهم دیگری که فضا را برای گروپ های خودجوش مردمی فعال در افغانستان سخت میسازد، اعمال شرایط روی منابع مالی است. همه مصاحبه شوندگان گزارش کردند که نهادهای آنها در حین انجام کار خود با چالش های مالی قابل توجهی مواجه شده اند. نه تنها گیرندگان، بلکه تمویل کنندگان نیز از مشکلات در این عرصه گزارش می دهند. یک گزارش تحقیقی در سال 2022 توسط شورای پناهندگان ناروی نشان میدهد که:

از زمان بازگشت طالبان به قدرت در 15 آگست 2021، انتقال وجوه به داخل و در داخل افغانستان به چالش بزرگی برای نهادهای غیردولتی (NGOs) تبدیل شده است. این وضعیت در نتیجه مجموعی از فکتورهای داخلی و بین المللی بوجود آمده که شامل کاهش کمک های مالی بین المللی، فلج شدن بانک مرکزی افغانستان، کنترل سرمایه و سردرگمی در مورد فعالیت های مجاز تحت تحریم ها (که منجر به رعایت بیش از حد و کاهش ریسک بخش مالی می شود) میگردد.¹⁷

تحمیل الزامات مالیات دولتی بر این نهادها این نگرانی ها را افزایش داده، به ویژه اعمال پالیسی که حکم می کند نهادهای جامعه مدنی باید مالیات بر درآمد

نظری بر بودجه قبل از 2021

قبل از تسلط طالبان، بودجه نهادهای غیردولتی از دو منبع تأمین می‌شد، بودجه «داخلی» (دولتی) و «خارج از بودجه» (بین‌المللی). گزارش سالانه منتشر شده توسط وزارت اقتصاد افغانستان در سال 2018 مشخص می کند که:

”مجموع هزینه نهادهای غیردولتی در سال 2018 به 875 میلیون دالر میرسید. از این مبلغ 24 درصد (212 میلیون دالر) از طریق بودجه مالی کشور و 76 درصد (664 میلیون دالر) خارج از بودجه ملی کشور به مصرف رسیده است.”¹⁸

همانطور که این ارقام نشان می دهد، اکثر بودجه از جامعه تمویل کننده بین المللی تأمین شده و همه پاسخ دهندگان که ما با آنها مصاحبه کردیم، تأیید کردند که تمام بودجه آنها قبل از سال 2021 از این طریق تأمین میشد.

تنها یک سازمان از میان مصاحبه شوندگان، کمک مالی دولتی برای تطبیق فعالیت های خود دریافت کرده است. این نشان می‌دهد که چگونه منابع مالی خارجی برای نهادهای غیردولتی و دیگر نهادهای جامعه مدنی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان دشوارتر شده است. در حالی که دو نهاد توانسته‌اند برای حمایت از کار خود به حق عضویت و جمع‌آوری کمک مالی آنلاین تکیه کنند، اکثریت قریب به اتفاق (90٪) هرگز هیچ نوع بودجه دریافت نکرده‌اند. بدون منبع درآمد قابل اعتماد، این سازمان ها مجبور به فعالیت با بودجه اندک هستند که مانع توانایی آنها برای انجام مؤثر کار با ارائه خدمات به مستفیدین شان می شوند.

از آنجایی که از زمان به قدرت رسیدن طالبان، اقتصاد به طور قابل توجهی ضعیف شده است، بعید است که اتکا به سخاوت رضاکاران و کمک های شخصی اعضا، این گروهها را قادر به بقا برای یک دوره طولانی مدت کند.

[چالش اصلی ما] محدودیت های مالی است. ما همه رضاکار هستیم و فعالیت های خود را با منابع شخصی خود مدیریت می کنیم.

- فعال حقوق زنان

با توجه به نگرش طالبان نسبت ه این گروه ها، که عمدتاً ناشی از ارتباط قوی آنها با زنان است، این هم بعید است که از بودجه ملی هزینه آنها تامین شود. بنابراین، خطر واقعی از بین رفتن کامل بخش بزرگی از این گروپ ها در آینده نزدیک در نتیجه کمبود بودجه وجود دارد. برای جامعه بین‌المللی، چالش‌های ارسال پول به افغانستان در حال افزایش است و بیشتر تمرکز آن‌ها بر روی ارائه کمک‌های بشردوستانه برای جلوگیری از قحطی و کاهش فقر متمرکز شده است، و بودجه کمتری برای اهداف حقوق بشر فراهم میشود. با این حال، بودجه بین المللی و ملی هر دو با مانع بزرگتری در تلاش های طالبان برای رهگیری کمک ها یا کنترل مقصد نهایی آن روبرو هستند.

مثال دیگر از موانعی که طالبان در قسمت تطبیق فعالیت های ایجاد میکنند این است که ما کمک‌های مردم محلی یا زکات خودما را جمع آوری و به مردم نیازمند میرسانیم. طالبان در این بخش هم مداخله میکنند. از ما میپرسند چرا کمک ها را فقط میان مردم خود توزیع میکنید، چرا به جای آنها به مردم دیگر (طالبان) کمک نمیکنیم.

- فعال معارف قندهار

نکته مهم این است که ماهیت مردمی بودن و کوچک بودن این نهادها نیز چالش هایی را ایجاد می کند. در حالی که این گروهها در مجموع هزاران عضو دارند، تیم هایی که آنها را اداره می کنند کوچک هستند. میانگین تعداد کارمندان یا رضاکاران 55 نفر است که 66 درصد آنها کمتر از 100 نفر را استخدام کرده اند. در نتیجه، احتمال کمتری وجود دارد که کارمندان این نهاد ها در قسمت پروپوزل نویسی آموزش دیده باشند یا توانایی لازم را برای بدست آوردن منابع مالی خارجی داشته باشند.

در بسیاری از موارد، کمبود بودجه این جنبش‌ها را مجبور کرده است که فعالیت‌های خود را کاهش دهند یا پروژه‌های خاصی را به کلی کنار بگذارند و ظرفیت بسیاری از سازمان‌ها و فعالان را برای انجام کارشان به شدت محدود کند. یکی از نهادهای مورد بررسی مجبور به بستن کلاس های آموزش ویژه زنان، باشگاه های کتاب نویسی و کلاس های نویسندگی و همچنین کاهش توزیع لوازم التحریر و لوازم برای کودکان به دلیل کمبود منابع شده است. با وجود این چالش ها، آنها توانسته اند کتابخانه خود را باز نگه دارند. بدون منابع مالی، پرداخت مایحتاج اولیه مانند هزینه های حمل و نقل، ارتباطات و چاپ مواد آموزشی و معاش کارمندان دشوار است و بسیاری از فعالان، همانطور که گفته شد، رضاکارانه وقت خود را صرف می کنند یا از سرمایه شخصی خود برای ادامه کار خود استفاده می کنند.



AWPMC

اگر بودجه داشتم، به خبرنگارام پول می‌دادم، داستان‌هایمان را [به] انگلیسی ترجمه می‌کردم و داستان‌های بیشتری را با تمرکز بر چالش‌هایی که زنان در سراسر کشور با آن‌ها روبرو هستند تولید می‌کردم.

- روزنامه نگار و فعال حقوق زنان



چشم انداز کنونی جامعه مدنی در افغانستان

علیرغم مشکلات شدید امنیتی، نظارتی و بودجه ای که نهادهای خودجوش مردمی با آن مواجه هستند، بسیاری از اعضای جامعه مدنی همچنان به اهداف خود متعهد هستند و علی رغم موانع فزاینده ای که با آن مواجه هستند، راه های خلاقانه ای برای ادامه کار خود پیدا می کنند. با توجه به جمعیت جوان کشور با بیش از 60 درصد از شهروندان زیر 30 سال، بسیاری از شهروندان افغانستان، تقریباً تمام عمر خود را تحت رژیم قبلی گذرانده اند.¹⁹ بنابراین، در حالی که بسیاری از نهادهای غیردولتی سنتی مجبور به توقف فعالیت‌های خود شده‌اند، فعالان و امدادگران متعددی که بسیاری از آنها در این جمعیت جوان‌تر قرار دارند، به سازمان‌دهی اعتراضات ادامه می‌دهند تا حقوقی که قبلاً تأمین شده بود را دوباره بدست بیاورند و بهبود شرایط اجتماعی در کشور را تضمین کنند.

در حالی که بسیاری از فعالیت‌های سنتی جامعه مدنی و رویه‌های عملیاتی دیگر قابل دوام نیستند، سازمان‌های مردمی با تطبیق رویکرد منحصر به فرد برای ادامه کار موفقیت‌هایی پیدا کرده‌اند. یکی از روش‌های رایج این است که سازمان‌ها در صورت امکان فعالیت‌ها را به صورت آنلاین برگزار می‌کنند. از میان کسانی که در دادخواهی عمومی فعالیت می‌کنند، تعدادی از آنها به رسانه های اجتماعی و دیگر پلتفرم های آنلاین که یک تریبون امن تر برای انجام فعالیت ها نسبت به فضاهای فیزیکی در افغانستان فراهم می کند، روی آورده اند تا در مورد کار های خود آگاهی دهی کنند . سایر مصاحبه شوندگان که در بخش نظارت و مستندسازی نقض حقوق بشر کار میکنند، میگویند که

آنها هنوز می توانند اطلاعاتی را جمع آوری کنند اما این فعالیت ها را باید در خفا انجام دهند. استفاده از پلتفرم‌های ارتباطی آنلاین به کارمندان و رضاکاران اجازه می‌دهد بدون شناسایی با هم ارتباط برقرار کنند. انتقال فعالیت‌ها به صورت آنلاین به سازمان‌ها این امکان را داده است که فعالیت‌های خود را در داخل هماهنگ کنند و بدون جلب توجه عمومی به تعامل و اطلاع‌رسانی عمومی ادامه دهند.

در موارد دیگر، نهادهای خودجوش مردمی سعی کرده‌اند فعالیت‌های خود را مثل سابق ادامه دهند، اما نگذارند کسی در مورد جزئیات آن آگاهی پیدا کند. به عنوان مثال، نهادهایی که پروژه‌های مرتبط با ترویج «آزادی» را کار می‌کنند، فعالیت‌های مشابهی را تحت نام «رفاه عمومی» روی دست گرفته اند. هنگام اتخاذ این رویکرد، مصاحبه‌شوندگان گزارش می‌دهند که احساس می‌کنند تا زمانی که پروژه‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که با ارزش‌های اسلامی هماهنگی داشته باشند، فضایی برای ادامه کارشان وجود دارد. اتصال یک پروژه به هدف پیشبرد ارزش های اسلامی به عنوان سپری برای فعالیت های پروژه عمل می کند. با این حال، نهادهایی که این رویکرد را اتخاذ می‌کنند متوجه می‌شوند که باید پروژه‌هایی را که به آسانی با این شرایط بازنگری نمی‌شوند کنار بگذارند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گزارش داد: «در حال حاضر، کار سازمان ما به تنها محدود شده است ارائه حمایت های روانی و کمک های بشردوستانه. دیگر فعالیت‌های قبلی ما، مانند کمپین‌های آگاهی دهی، عدالت انتقالی، و کلب های مدافعین حقوق بشر، همگی پایان یافته‌اند.»

رسانه های تحت رهبری زنان با به قدرت رسیدن طالبان تعطیل شدند و بسیاری از خبرنگاران زن شغل خود را از دست دادند. خبرگزاری ها روی مسائل مربوط به حقوق زنان تمرکز نمی کنند. زنان راه‌های خلاقانه‌ای برای مقاومت در برابر ظلم طالبان پیدا می‌کنند، اما هیچ‌کس داستان‌های آنها را بازگو نمی‌کند. من یک خبرگزاری تحت رهبری زنان راه اندازی کردم تا داستان های زنان را تعریف کند. من هشت خبرنگار زن در سرتاسر افغانستان دارم که برای حمایت از پلتفرم خبری آنلاین من رضاکار شده اند. ما هر روز حداقل دو داستان تولید می کنیم که در حساب های رسانه های اجتماعی ما نشر می شود. اگر بودجه داشته باشیم، ما می توانیم کارهای بیشتری انجام دهیم.

- روزنامه نگار و فعال حقوق زنان

با توجه به نسبت بالای اعضای جامعه مدنی که تازه وارد این عرصه شده اند، با توجه به اینکه ظرفیت و تجربه آنها در این زمینه تقویت میشود، فضا برای نهادهای وجود دارد تا راه های جدیدی را برای فعالیت در این فضای خفقان آور ابداع کنند. در نتیجه، فرصت‌های موجود برای اعضای جامعه مدنی ممکن است در طول زمان افزایش یابد، زیرا نهادهای مردمی همچنان با چالش‌های موجود سازگاری پیدا میکنند. با این حال، محدودیت‌ها و موانعی که در بخش‌های قبل توضیح داده شد، احتمالاً دامنه فعالیت‌های احتمالی را محدود ساخته، جلو هر گونه پیشرفت و نوآوری‌های احتمالی را خواهد گرفت. علاوه بر این، رشد جامعه مدنی مستلزم آن است که افزایش فعالیت‌ها باعث نشود که طالبان با هنجارهای سخت‌تر و اجرای سختگیرانه‌تر پاسخ دهند. در نهایت، بدون تغییر سیستمی اساسی، بعید است که جامعه مدنی بتواند با آزادی پیش از تسلط طالبان عمل کند.

با در نظر گرفتن این موضوع، نهاد های خودجوش و مردمی جامعه مدنی به دلیل شدت یافتن تهدیدات امنیتی، سرکوب طالبان و محدودیت های مالی همچنان با بیشترمواجه هستند. حمایت بین‌المللی - در قالب طرح‌های ظرفیت‌سازی، افزایش بودجه و مکانیزم‌های حفاظتی بین‌المللی - به تضمین ادامه فعالیت و توسعه سازمان‌های مردمی کمک می‌کند.

IV. قانون و مقررات جامعه مدنی تحت تسلط طالبان

تسخیر قدرت توسط طالبان در اگست 2021 نه تنها باعث کاهش شدید آزادی های مدنی و حقوق بشر شد، بلکه باعث تحول در سیستم حقوقی و حاکمیت قانون در افغانستان شد. از آن زمان تاکنون، نظام حقوقی تحت تسلط طالبان با ناهماهنگی، سردرگمی و اصلاح ناپذیری تعریف میشود. این اختلال باعث ایجاد عدم اطمینان بیشتر برای نهادهای مردمی و همچنین جامعه می شود.

این بخش به بررسی چارچوب قانونی کنونی در افغانستان و قوانین مربوط به جامعه مدنی می پردازد و توجه خاص به مقررات مربوط به فعالیت سازمان های غیر دولتی ("NGO") دارد. این بخش با نگاهی به عملکرد رژیم طالبان قبل از سال 2001 برای دستیابی به بینش در مورد رویکردی که رژیم کنونی طالبان ممکن است در قبال این موضوع اتخاذ کند، به پایان می رسد.

سیستم حقوقی افغانستان تحت حکومت طالبان

طالبان بدون روشن شدن اساسی ترین مسائل قانون اساسی به حاکمیت در افغانستان ادامه میدهند. طالبان هیچ نوع اقدام رسمی برای لغو قانون اساسی 2004 افغانستان که قبل از تصرف کشور از سوی طالبان در حال اجرا بود، اتخاذ نکرده است.²⁰ قانون اساسی 2004 که پس از تهاجم و اشغال افغانستان به رهبری ایالات متحده در سال 2001 به تصویب رسید، ایجاد یک جمهوری اسلامی دموکراتیک را پیش بینی کرد و حقوق بشر از جمله عدم تبعیض، آزادی بیان و آزادی تجمع را تضمین کرد.²¹ اگرچه قانون اساسی 2004 اسلام را به عنوان دین رسمی دولتی معرفی کرد، طالبان، قبل از به دست گرفتن قدرت، آشکارا قانون اساسی 2004 را ناقض شریعت و ارزش های بنیادین اسلامی می دانستند.²²

یکی از حوزه هایی که احکام قانونی طالبان بیشترین تأثیر را داشته است، حقوق زنان و مشارکت عمومی است. تا تاریخ انتشار این گزارش، طالبان بیش از 65 فرمان رسمی و غیررسمی را تطبیق کرده است که حقوق زنان از جمله تحصیل، اشتغال، گشت و گذار آزاد و دسترسی به خدمات اساسی مانند مراقبت های صحتی را به شدت محدود کرده است که اکثر آنها با حداقل اطلاع رسانی اعلام شده و به دنبال آن توضیح کمی که به نظر می رسد فاقد مبنای قانونی یا مشروعیت سیاسی است، ارائه میگردد.²⁸ به عنوان مثال، در جون 2023، فرمانی مبنی بر منع کار آرایشگران زنان صادر شد که منجر به از بین رفتن 60000 فرصت شغلی برای زنان و بسته شدن 12000 فرصت تجاری شد.²⁹ چنین اقداماتی به فروپاشی سریع اقتصاد کمک کرده است و منجر به این شده که حدود 25 میلیون افغان اکنون در فقر شدید زندگی کنند.³⁰ گفته می‌شود که بسیاری از فرمان‌های صادر شده فقط توصیه هستند، اما به نظر می‌رسد که مقامات محلی عملاً آنها را به شیوه‌ای بسیار سخت‌گیرانه اجرا می‌کنند، قسمی که با سرپیچی از آنها زنان اغلب با مجازات بدنی مواجه می‌شوند.

در 28 سپتامبر 2021، مقامات طالبان اعلام کردند که قصد دارند به طور موقت موادی از قانون اساسی سال 1964 افغانستان را که در زمان محمد ظاهر شاه تصویب شده بود، تصویب کنند.²³ قانون اساسی 1964 همچنین موادی را برای تضمین آزادی بیان و تجمعات و همچنین حق حریم خصوصی، کار و پیگرد عدلی قانونی و عادلانه را در نظر گرفت و در عین حال تبعیض علیه زنان را ممنوع کرد.²⁴ عبدالحکیم شرعی، وزیر عدلیه طالبان، در مورد ارجحیت قانون اساسی 1964 بجای قانون اساسی 2004، به طور همزمان اخطاریه ای صادر کرد مبنی بر اینکه فقط آن دسته از مواد قانون اساسی 1964 که "در تضاد با شریعت اسلامی و اصول امارت اسلامی نیستند" حفظ خواهد شد.²⁵ نه شرعی و نه سایر مقامات مشخصاً توضیح نداده اند که طالبان کدام مواد را با شریعت در تضاد می داند.

در حالی که قانون اساسی 2004 تعهداتی را به معاهدات بین المللی و منشور سازمان ملل متحد تدوین کرده است، در قانون اساسی 1964 مقررات مشابهی در رابطه با این موضوع وجود ندارد. اگر چه ترجیح طالبان برای قانون اساسی 1964 ممکن است نشان دهد که طالبان قصد ندارد از تعهدات بین المللی رژیم قبلی پیروی کند، طالبان در اعلامیه خود در مورد قانون اساسی 1964 تصریح کرد که "قوانین و اسناد بین المللی که با اصول قانون شرع و امارت اسلامی تضاد ندارند، نیز محترم خواهد بود."²⁶

در ماه‌های اخیر، طالبان از هر دو قانون اساسی 1964 و 2004 فاصله گرفته‌اند و در عوض اعلام کرده‌اند که قصد دارند قوانین جدیدی را صرفاً بر اساس تفسیر خود از شریعت و سایر متون مذهبی وضع کنند.²⁷ از آنجایی که هیچ اصول حقوقی و بنیادی روشنی توسط طالبان مشخص نشده است، افغانستان در حال حاضر بدون دستورالعمل مشخص برای مبنای قانونی سیستم حکومتمداری اداره می شود.

در غیاب قانون اساسی، طالبان بر انواع فرمان ها و دستورات صادر شده در سطح محلی و ملی تکیه می کنند. فرامین و فیصله ها، که بسیاری از آنها مبهم هستند، جایگزین قوانین نمیشوند، بلکه هدف آن تغییر چشم‌انداز قضایی برای همسویی با اهداف سیاسی رژیم است. در نتیجه برخی از بخش‌های قوانین که از قبل موجود بود به قوت خود باقی می‌مانند، در حالی که برخی دیگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به‌ظاهر با یکی از این احکام جایگزین می‌شوند. در عمل، به نظر می رسد که مقامات طالبان برای تعیین اینکه کدام مقررات از قوانین قبلی قابل اجرا است، رویکردی ویژه اتخاذ می کنند. عدم قطعیت قانونی باعث ایجاد ابهام در مورد وضعیت دقیق قانونمداری در افغانستان می شود.

تاثیر بسته شدن آرایشگاه ها در جولای سال 2023

از بین رفتن 60000 فرصت شغلی

بسته شدن 12000 تجارت

شمار افغان هاییکه پس از اعمال اولین محدودیت ها در سال 2021 با فقر مواجه هستند

25میلیون فرد از مجموع 34 میلیون نفوس



چارچوب قانونی برای سازمان های غیردولتی زیر نظر طالبان

از آگوست 2021، اکثر سازمان های غیردولتی محلی و بین المللی که در زمینه سیاست های عمومی، حقوق بشر، رسانه ها، حقوق زنان و حقوق کودکان فعالیت می کنند، فعالیت خود را متوقف کرده اند و بسیاری از کارکنان مدیریت آنها افغانستان را ترک کرده اند.³¹ از آنجایی که دولت طالبان رسماً این سازمان ها را منحل نکرده است، آنها در وضعیت بلاتکلیفی باقی می مانند، به طور همزمان از نظر قانونی فعال هستند، اما در فعالیت هایی که در واقع قادر به انجام آن هستند بسیار محدود هستند.

مقررات جامعه مدنی قبل از طالبان

در کنار قانون اساسی، قوانین ملی خاصی در دولت جمهوری اسلامی اجرا میشد که بر تأسیس و اداره سازمان‌های غیردولتی و موسسات خیریه نظارت می‌کرد، به ویژه قانون مؤسسات غیردولتی (2005) (قانون انجیو ها) و قانون انجمن ها (2013) “قانون انجمن ها”³² هر دوی این قوانین بر ثبت و فعالیت نهاد های جامعه مدنی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان، متمرکز بود. بر اساس ماده 35 قانون اساسی سال 2004، که در آن زمان لازم الاجرا بود، هر شهروند افغانستان “حق تشکیل انجمن” را داشت که در قانون ذکر شده بود. این دو قانون در حالی که ظاهراً متمایز بودند اما مکمل همدیگر، با تفاوت‌های اساسی بسیار کم فضای را که در آن این نهادها فعالیت می‌کردند، نظم میبخشید. بنابراین، در این گزارش فقط قانون مؤسسات غیردولتی به‌عنوان مرتبط ترین قانون به نهادهای غیردولتی تحت رهبری زنان، به طور اساسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و به آن اشاره می‌شود. بر اساس ویبسایت وزارت عدلیه افغانستان، این دو قانون به قوت خود باقی است، اما بدیهی است که اکثر مواد آنها از زمان تسلط طالبان در سال 2021 نقض شده است.

قانون مؤسسات غیردولتی که نهادهای غیردولتی داخلی و خارجی را در بر میگیرد، بیان می‌کند که نهادهای غیردولتی باید در وزارت اقتصاد به ثبت رسیده باشند.³³ پاسخ دهندگان در این گزارش توضیح می‌دهند که روند ثبت یک نهاد نسبتاً ساده (در مقایسه با سایر کشورها) بوده است. مصاحبه‌شونده‌ای که اکنون در تبعید زندگی می‌کند، توضیح می‌دهد که “فکر می‌کنم روند [در افغانستان] خیلی سخت باشد. وقتی در انگلستان همین نهاد را ثبت کردم و میزان اسناد که باید ارسال می‌کردم را میدیدم، بنظرم پروسه در افغانستان بسیار زیاد ساده بود.”



مطالعه اسناد موجود آنلاین، بررسی چارچوب های قانونی موجود و مصاحبه با افراد نشان می دهد که رژیم طالبان هنوز به طور رسمی قوانینی را که توسط دولت جمهوری اسلامی برای تنظیم و حمایت از فعالیت سازمان های غیردولتی در داخل کشور تطبیق شده است، ملغاً یا اصلاح نکرده است. با این حال، اگرچه قانون مؤسسات غیردولتی سال 2005 همچنان پابرجاست، طالبان به طور پیوسته فعالیت های نهاد‌های غیردولتی و کسانی که آنها را اداره می کنند را از طریق صدور مجموعه ای از احکام و فرمان های محلی از زمان تسلط شان در سال 2021 به شدت محدود ساخته است، که بسیاری از آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت های روزمره نهاد ها تأثیر می گذارند. این محدودیت ها هم از قانون رسمی انجیو ها و هم از تفسیر این قوانین توسط طالبان ناشی می شود.

قانون مؤسسات غیردولتی مقرر می‌دارد که هیچگونه محدودیت بالای اهداف وفعالیت‌های مؤسسات در افغانستان وضع شده نمیتواند، مگر به موجب قانون (ماده 7). اما ماده 8 این قانون عرصه های ممنوع برای فعالیت های مؤسسات را مشخص میسازد که شامل فعالیت‌های سیاسی و مبارزات انتخاباتی، ترویج خشونت یا مشارکت در فعالیت‌های نظامی، مشارکت در فعالیت‌های تروریستی و مشارکت در پخش مواد مخدر و سایر صنایع غیرقانونی می‌گردد.

در مورد نهاد هایی که از تغییر رویکرد در همسویی با محدودیت های طالبان امتناع می ورزند، ماده 35 قانون مؤسسات غیردولتی که شامل مقرراتی برای انحلال سازمان ها بصورت داوطلبانه و یا هم از سوی کمیته عالی ارزیابی، نهادی که مسئول نظارت بر سازمان های غیر دولتی است، اجرا می شود. انحلال می تواند با استناد به "اساسنامه مربوطه" توجیه شود یا در مواردی که کمیسیون عالی ارزیابی تشخیص دهد که فعالیت یک NGO "مخالف منافع عمومی، مفاد این قانون و سایر قوانین معتبر است". این ماده نسبتاً باز به طالبان اختیار گسترده‌ای می‌دهد تا نهادهای غیردولتی را به اتهام مخالفت با تصمیم‌های آنها، منحل کنند. یک مکانیزم ثبت شکایات در قالب کمیسیون حل اختلاف ارائه شده است، با این حال، [به نظر نمی رسد این نهاد توسط طالبان حفظ شده باشد]. اگرچه نهادهای غیردولتی تحت رهبری زنان در افغانستان طیف وسیعی از فعالیت‌ها را پوشش می‌دهند و خدمات متنوعی را فراهم می‌کنند، اما اکثریت آن‌هایی که منحل شده‌اند، یا رهبران آن‌ها به مشارکت در فعالیت های ناقض ماده 8 متهم و یا هم زندانی شده‌اند، در حالیکه آنها نه در چنین فعالیت ها و نه هم فعالیت های "مخالف منافع عمومی» دخیل نبوده اند. اما طالبان مطابق با بند 5 ماده 35 قانون مؤسسات غیردولتی، انحلال آنها را توجیه می‌کنند که به نظر می‌رسد طالبان قوانینی را که از قبل موجود بوده به طور کامل رد و یا به طور قابل توجهی دستکاری کرده‌اند تا با اهداف رژیم خود مطابقت داده باشند.

نگرش طالبان نسبت به مؤسسات غیردولتی و زنانی که در آنها کار می کنند، غیر قابل پیش بینی است. با این حال، با توجه به برخی از اعلامیه های طالبان تا به امروز، و تجارب پاسخ دهندگان در این گزارش، بدیهی است که در نهاد های رسمی، به دلیل قواعد، قوانین و مقررات مردانه و محدودیت های غیر رسمی علیه فعالیت زنان، زنان به سرعت یا بیرون رانده میشوند و یا مجبور به انجام کارهای زیرزمینی می شوند.



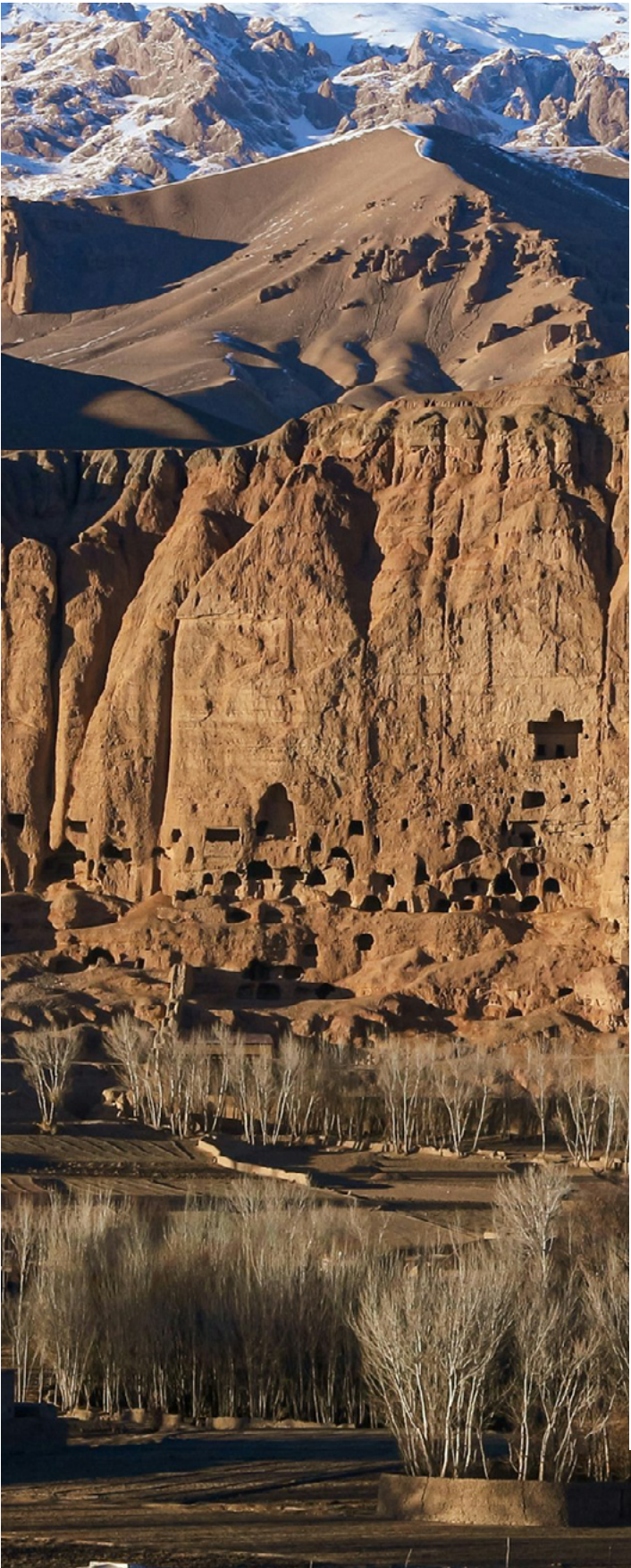
مسیر احتمالی قانون‌گذاری موسسات غیردولتی تحت حاکمیت طالبان

با توجه به نبود شفافیت و اینکه طالبان پس از تسلط بر افغانستان در اگست ۲۰۲۱ رسماً در چارچوب قانونی مربوط به موسسات غیر دولتی کدام تغییر نیلورده است، این گزارش با استفاده از وضعیت نهاد های جامعه مدنی تحت اولین دوره حکومت طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ وجود داشت، آینده این نهاد ها در افغانستان کنونی را تشریح می کند.

تحت حکومت طالبان قبل از سال ۲۰۰۱، ارائه کمک‌ها به طرق مختلف با مانع مواجه می‌شد که مشابه موانعی است که در افغانستان امروزی تجربه می‌شود. این امر به ویژه در مورد بودجه ای که برای حمایت از زنان و گروه های به حاشیه رانده شده است در حال حاضر نیز صدق میکند. زنان از کار منع شدند و چندین فرمان به صراحت بخاطر ممنوعیت اشتغال زنان افغان در سازمان های غیردولتی داخلی و بین المللی صادر شد. در همین حال، اجرای خودسرانه قوانین تنظیم کننده نهادهای جامعه مدنی، رویه ای که در افغانستان امروزی تکرار می شود، نهادهای غیردولتی را مجبور به فعالیت در یک محیط بسیار ناامن کرد، به طوری که در نهایت ۳۸ سازمان غیردولتی بین المللی در سال ۱۹۹۸ به دلیل سوء ظن طالبان به اتهام "فعالیت سیاسی" از کشور اخراج شدند.^{۳۶} این امکان وجود دارد که در آینده نزدیک، طالبان به این اشکال توجیهی برای حذف سازمان‌های غیردولتی که دیدگاه‌های آنها را در مورد حقوق زنان و مسائل حقوق بشر به چالش می‌کشند، بازگردند. در جون ۲۰۰۰، مقرره موسسات غیردولتی داخلی و بین المللی مفهوم "فعالیت موسسات غیردولتی" را به طور قابل توجهی محدود کرد و یک رژیم نظارتی بسیار کنترل‌کننده بر این نهاد ها را معرفی کرد. بدین ترتیب، نهادها در معرض محدودیت های شدید در قسمت تشکیل، ثبت و فعالیت های مداوم قرار گرفتند.

ثبت نهاد

بر اساس مقرره موسسات غیردولتی، ثبت نهاد اجباری بوده و اگر نهادی بدون ثبت فعالیت کند با مجازات‌هایی از جمله جریمه نقدی و دستگیری روبرو خواهند شد. با این حال، روند ثبت نام به شدت کند است چون درخواست‌ها باید به وزارت پلان ارسال می‌شد که از آنجا به کمیته عالی ارزیابی راجع می‌گردد که تصمیم‌گیری خودسرانه و شانس رد درخواست ها را افزایش می دهند، و همزمان زمینه فساد را مساعد میسازد.



ثبت موسسات غیردولتی بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱

رهنمودهای ثبت نام در فصل دوم قانون موسسات غیردولتی بیان شده است و وزارت اقتصاد بالاترین مرجع قدرت برای تایید یا رد تأسیس یک موسسه غیر دولتی شناخته میشود. فورمه‌های ثبت‌نام، موسسات داخلی را ملزم میسازد تا اطلاعات نسبتاً معیاری مانند نام و برنامه کاری مورد نظر خود را توضیح بدهند. مشخصات، عکس، امضا و اسناد هویتی همه اعضای هیئت مدیره، علاوه بر مشخصات شخصی سایر کارکنان کلیدی نیز ضمیمه درخواست، ارائه گردد. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی با درخواست‌های بیشتری از جمله اسناد خارجی ثبت‌نام همراه با مشخصات اقوام نزدیک و اعضای خانواده مواجه شدند تا ظاهراً از تضاد منافع جلوگیری کنند. بنابراین، در حالیکه ثبت یک نهاد در دولت جمهوری اسلامی بصورت رسمی و منظم تر صورت میگرفت، در برخی موارد ممکن بود مشخصات آنهایی را که برای سازمان های غیردولتی کار می کنند در معرض افشا و تحقیقات احتمالی حکومت قرار دهد.

پس از ارسال درخواست، ماده ۱۶ قانون موسسات غیردولتی نحوه بررسی را تشریح می کند. این قانون به بخش مسئول تأیید درخواست‌ها یا کمیسیون فنی وزارت اقتصاد، اجازه می‌دهد تا صلاحیت خود را به واحدهای دومی در ولایات تفویض کند که امکان برخورد نابرابر با نهاد ها را بیشتر میساخت. سازمانها موظف بودند تفاهمنامه را به بخش مربوطه دولتی در ولایت خود ارائه دهند. به عنوان مثال، اگر مستقیماً با زنان کار کند، نهاد مجبوربود که تفاهمنامه را به ریاست امور زنان ارائه دهد. پس از آن، باید توسط دفتر والی آن ولایت نیز تایید میشد. چند تن از سازمان‌های مصاحبه‌شده بیان می‌کنند که اغلب تقاضای رشوه در همین مراحل مطرح میشد، که نشان می‌دهد، علی‌رغم موجودیت سیستم نسبتاً رسمی برای ثبت نهاد، موفقیت آنها می توانست توسط اقدامات فاسد مختل شود.

در همین حال، هر سازمان خارجی که قصد ثبت در افغانستان را داشت، به تایید وزارت امور

خارجه، علاوه بر وزارت اقتصاد، با موانع بروکراتیک برای ثبت نام مواجه بودند. در حالیکه این سازمان منابع بسیار برتری برای کمک به مردم افغانستان دارند، تا حد زیادی تحت تأثیر تصمیم گیری های دولتی قرار دارند. هر درخواستی که شرایط ثبت نام را برآورده نمی‌توانست، یا توسط هر یک از وزارتخانه ها رد میشد، نمی‌توانست بعنوان موسسه غیر دولتی ثبت و شناخته شود.^{۳۷}

موسسات غیر دولتی که در حکومت قبلی ثبت میشدند، هرچند شرایط سنگین را متحمل میشدند و زمان‌بندی غیرقابل پیش‌بینی در پروسه تصویب وجود داشت، باز هم نسبت به وضعیت کنونی روند ثبت نام رسمی تر بود. برای سازمان‌های غیردولتی که در افغانستان فعالیت داشتند شرایط قانونی قبلی شفاف‌تر بود و به اکثریت سازمان‌های غیردولتی اجازه می‌داد بدون محدودیت‌های قابل‌توجهی در داخل افغانستان فعالیت کنند.



علاوه بر این که این سیستم چند لایه به طور قابل توجهی تعداد متقاضیان را کاهش می داد، هزینه مالی مطالبه شده مانع دیگری برای تشکیل یا بقای نهادهای غیردولتی بود. هر سازمانی که برای اولین بار ثبت میشد، موظف بود 30 میلیون افغانی را در یک بانک تعیین شده به عنوان "ضمانت" واریز کنند، در حالی که آنهایی که مایل به تمدید جواز فعالیت بودند باید 10 میلیون افغانی میپرداختند. با در نظر داشت نرخ ارز در 20 سپتامبر 2000، این هزینه 6315 دالر برای سازمان های غیردولتی جدید بود. تحمیل چنین بار مالی قابل توجه بر نهادهای، بسیاری را وادار میساخت تا از تشکیل یا از سرگیری فعالیت های موجود خودداری کنند و دسترسی مردم به سیستم های حمایتی حیاتی را تا حد بیشتری محدود میشد. بنابراین، بار اداری و مالی مرتبط با روند ثبت نام به ابزاری برای کنترل توسط طالبان تبدیل شده و به گروه حاکم این امکان را می داد که راه های متعددی را در اختیار داشته از طریق آن از فعالیت یا حتی شکلگیری سازمان های غیردولتی در صورتی که تصور می شد تهدیدی برای آن ها یا ایدئولوژی های سیاسی یا مذهبی شان محسوب می شوند، جلوگیری کنند.

پس از ثبت نام

حتی پس از ثبت موفقیت آمیز، کنترل بروکراتیک شدید همچنان حیات عملیاتی سازمان های غیردولتی را مشکل میساخت. همانطور که در مقرره موسسات غیردولتی تصریح شده بود، نهاد ها موظف بودند از سیستم بانکی افغانستان برای تأمین مالی خود استفاده کنند و ارز افغانی و ارز خارجی را در بانک های تعیین شده در سیستم بانکی افغانستان قرار دهند.³⁹ الزاماتی بر سازمان ها تحمیل شد که حداقل 20 درصد از هر ارز خارجی را با نرخ ارز رسمی به افغانی مبادله کنند، که نشان می دهد چگونه طالبان به تجاوز به نهادهای غیردولتی ادامه می دادند.

بعلاوه امور مالی نهاد های غیردولتی، فعالیت هایشان نیز توسط طالبان تنظیم می شد. قبل از تطبیق هر پروژه ای بدون در نظر گرفتن وسعت، یک نهاد موظف بود برنامه کاری اش را برای تصویب دولت به وزارت پلان ارائه کند. با این حال، هیچ استاندارد جهانی برای این بررسی ها اجرا نشد، بنابراین، مانند ثبت نام، فساد و تصمیم گیری های خودسرانه زیاد بود.⁴⁰



۷. چارچوب بین المللی حقوق بشر برای حفاظت از جامعه مدنی افغانستان

حکومت جمهوری افغانستان، پیش از تسلط دوم طالبان قراردادهای بین المللی حقوق بشری مختلفی را امضا کرده بود. این بخش از گزارش تعهدات دولت افغانستان را پوشش می دهد که در قبال جامعه جهانی در زمینه های حفاظت از حقوق بشر و امنیت فعالان جامعه مدنی را تضمین می کند. علاوه بر این، این بخش گزارش روشن میسازد که این قراردادها تا چه اندازه در افغانستان اجرا شده و حاکمیت طالبان در زمینه پایبندی به تعهدات بین المللی، چقدر به افغانستان آسیب وارد کرده است.

تعهدات افغانستان

زمانی که افغانستان به دست طالبان سقوط میکرد، این کشور عضویت هفت معاهده بین المللی حقوق بشر را داشت.⁴² بر اساس مفاد این موافقتنامه ها، دولت افغانستان مکلف است که قوانین و طرز العمل های خود را مطابق مواد موافقتنامه ها تطبیق کند.⁴³ طالبان به عنوان یک حکومت سرپرست، مکلف هستند که به تمامی توافقات و تعهداتی که افغانستان عضویت آن را دارد، متعهد باشند. اگرچه رهبران طالبان علناً اعتراف کرده اند که به قوانین بین المللی که افغانستان عضو آن است، پایبند هستند، اما تصریح کرده اند که تنها به آن دسته از مواد قوانین بین المللی و موافقتنامه هایی که مطابق با اسلام باشند، پایبند خواهد ماند.⁴⁴





افغانستان عضویت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یا (ICCPR) را که به طور گسترده از حقوق نهادها و جوامع مدنی حمایت می کند، در 1983م به دست آورده است.⁴⁵ کشور های که عضو این میثاق هستند، موظف اند که «حفاظت از کلیه حقوق انسانی و سیاسی مندرج در این معاهده را تضمین کنند و تمام اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند».

در نتیجه این تعهدات؛ دولت افغانستان موظف است با اجرای قوانین ملی خود، تضمین دهد که زنان و مردان به تمامی حقوق مدنی و سیاسی خود دسترسی دارند و اطمینان حاصل کند که ناقضان این حقوق مجازات خواهند شد. از جمله حقوق مذکور در این معاهده، دو مورد حق اجتماع مسالمت آمیز (ماده 21) و دیگری حق اجتماع آزادانه با دیگران (ماده 22) برای کسانی که می خواهند مؤسسات مدنی ایجاد کنند یا از خدمات ارایه شده استفاده می کنند بیشتر و مهمتر از دیگر حقوق این معاهده میباشند. این معاهده همچنین کشورهای عضو را مکلف می‌سازد که از حاکمیت قانون در داخل مرز های خود اطمینان حاصل کنند و مکانیزم‌هایی را برای محاکمه عادلانه و برای تامین حقوق و امنیت افراد متهم تا زمان اثبات جرم شان، ایجاد کنند.

کشور هایی که این معاهده را تصویب کرده اند نه تنها مکلف به اجرای کلیه مواد این موافقتنامه هستند، بلکه باید تضمین بدهند که بدون درنظرداشت نژاد، زبان، قوم، رنگ، جنسیت، مذهب و منطقه حقوق مساوی را برای مردم خود فراهم می کنند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بر این تعهدات نظارت می کند و یافته های خود را هر پنج سال بعد گزارش می دهد.



یکی دیگر از تعهدات، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا (CEDAW) است که افغانستان در سال 2003 به عضویت آن پیوسته است. این کنوانسیون بر حفظ حقوق مساوی زنان مانند مردان پافشاری می کند و دولت ها را تشویق می کند تا تمام اقدامات لازم را برای تضمین پیشرفت زنان در بخش های صحتی، کار، دسترسی به آموزش و سایر زمینه های مشابه انجام دهند. طبق مفاد این کنوانسیون، کشور های عضو موظفند «تمام اقدامات لازم از جمله قوانین، را برای تضمین پیشرفت کامل زنان به کار گیرند».

علاوه بر این، کنوانسیون حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا (ICESCR) است که بر دسترسی برابر مردان و زنان به آموزش، صحت و سایر استانداردهای زندگی تاکید مینماید، کنوانسیون حمایت از حقوق کودک (CRC). کنوانسیون بین المللی رفع همه اشکال تبعیض (CERD). کنوانسیون بین المللی برای جلوگیری از شکنجه، بدرفتاری، ظلم، توهین و تحقیر یا (CAT) و کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت یا (CRPD) که از تبعیض ناشی از معلولیت جلوگیری می کند، ، از جمله قراردادهای بین المللی دیگر که افغانستان عضویت آنها را دارد.

وضعیت کنونی حقوق بشر زیر تسلط طالبان

با سقوط افغانستان به دست طالبان در ماه اگست 2021، ترویج و تامین حقوق بشر در این کشور رو به زوال آورد. هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) از زمان بازگشت طالبان به این کشور موارد زیادی از رفتار های غیرانسانی، دستگیری و زندانی کردن خودسرانه، بدرفتاری و ارعاب را ثبت کرده است. علاوه بر این، آزادی بیان به شدت محدود شده است. طالبان ممنوعیت های شدیدی را برای بسیاری از رسانه ها و اجتماعات عمومی که پالیسی ها و محدودیت های آنها را به چالش می کشند، وضع کرده اند. طالبان با وضع محدودیت در زمینه های مختلف مانند تحصیل دختران و زنان، کار، امکانات صحتی، گشت و گذار آزاد و خدمات بری قربانیان خشونت خانوادگی، فشار های بیش از حد بر زنان افغانستان وارد کرده است، که زنان را حتا از برخی حقوق اولیه زندگی محروم ساخته است. بر اساس آخرین گزارش یوناما، از 15 اگست 2021 تا 15 جون 2022، 218 قضیه قتل های خودسرانه توسط طالبان، 424 مورد دستگیری و حبس خودسرانه و 144 مورد شکنجه و بدرفتاری ها که توسط نیروهای امنیتی و دفاعی طالبان صورت گرفته است ثبت شده است.⁴⁷ این عملکردهای طالبان از یک سو تأثیرات منفی قابل توجهی بر جامعه افغانستان داشته است و از سوی دیگر نیز نشان می‌دهد که آنها از تعهدات بین‌المللی و داخلی خود در زمینه حمایت از حقوق بشر هیچ آگاهی ندارند.

پس از رسیدن طالبان به قدرت در ماه اگست 2021، اکثر فرامین و دستاير صادر شده از سوی این گروه، نافرمانی آشکار از تعهدات بین المللی است که افغانستان عضویت ان را دارد. در دسامبر 2022، وزارت اقتصاد طالبان زنان را از کار در نهادهای غیردولتی منع کرد.⁴⁸ منع زنان از کار به دلیل



زن بودن و سپس مجازات زنان به دلیل فعالیت‌های مدنی شان، نقض آشکار همه معاهدات، CEDAW، ICCPR و ICESCR است. محدود ساختن زنان از فعالیت‌های عامه، نقض آشکار آزادی بیان یا ماده 19 کنوانسیون (CCPR)، ممانعت از آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز نقض ماده 22 کنوانسیون (CCPR) است. علاوه بر این، همه کشورهای عضو، UDHR و ICESCR و CEDAW نه تنها موظف به حمایت از حقوق زنان در زمینه های تحصیلی و کار هستند، بلکه باید دسترسی برابر و مساوی به همه امکانات صحتی ذکر شده در CEDAW و ICESCR را نیز تضمین کنند. بنابراین، منع زنان از رهبری، حمایت یا دسترسی به خدمات ارائه شده توسط نهاد های غیردولتی، به وضوح نقض کلیه تعهدات دولت های عضو موافقت نامه های بین المللی است. کشور های عضو نه تنها موظفند از این حقوق

حمایت کنند، بلکه در مقابل گروه ها و افرادی که این حقوق را نقض می کنند نیز باید اقداماتی را انجام دهند. طالبان به‌عنوان گروه حاکم، نه تنها در قبال صدور تمامی فرمان‌ها و احکامات شان که منجر به تبعیض‌های جنسیتی در افغانستان شده است، مسئول هستند، بلکه از نظر حمایت از حقوق بشر و مجازات افرادی که این حقوق را به خطر می‌اندازند، تعهدات بین المللی افغانستان را نقض کرده است.

علاوه بر تمام تعهدات بین المللی که طالبان پس از به دست آوردن مجدد

قدرت در ماه اگست 2021 نقض کرده اند، شروع به ممنوعیت کار زنان در سازمان های غیردولتی، زندانی کردن آنها و محدود کردن آزادی بیان، سوء استفاده، نقض حریم خصوصی و شکنجه کردن فعالان مدنی، حتا بسیاری از ماده‌های قانون اساسی 1964 افغانستان را که ظاهراً به عنوان منبع قوانین ملی استفاده می شود، نیز نقض کرده است.



۷. نتیجه‌گیری

در غیاب ساختارهای رسمی جامعه مدنی در افغانستان، جنبش های خودجوش مردمی تازه تأسیس به طور مخفیانه به فعالیت های خود در کشور تحت جبر و ستم طالبان ادامه می دهند. آنها به دادخواهی برای آموزش زنان و دختران، حقوق و آزادی های زنان، دسترسی به خدمات اولیه و حقوق بشر در چنین فاجعه ای ملی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ادامه می دهند. این فعالیت‌های جنبش های خودجوش مردمی و فعالان افغانستان نشان می‌دهد که آنان حتی با وجود ممنوعیت‌های شدید طالبان، به مبارزه خود متعهد هستند.

جنبش های خودجوش مردمی افغانستان و اعضای آنها نقش مهم و مؤثری را در ترویج و توسعه ارزش های حقوق بشری در مناطق خود و حمایت از حقوق زنان و گروه های به حاشیه رانده شده، ایفا میکنند. این نهادها که توسط افراد متعهد و گروه های کوچک تشکیل شده اند، برای برقراری عدالت اجتماعی از طریق جوامع و مردم تلاش می کنند. آنها با منابع محدود توانسته اند صفوف اجتماعی را تنظیم کنند، آگاهی دهی کنند و منجر به تغییرات موثر در سطح منطقه شان شوند.

به هر صورت، با امکانات بسیار محدود مالی و عملیاتی، تهدیدها و چالش های شدید امنیتی، نمی توان فعالیت های فعلی این نهادهای مدنی را نادیده گرفت. در حالیکه برخی از آنها توسط طالبان مجبور به توقف فعالیت های شان شده اند، اما بقیه نهادها همچنان فعالیت های محدودی را در مناطق محدود انجام می دهند. به منظور حصول اطمینان از اینکه فعالیت های این نهادها متوقف نه بلکه گسترده تر شوند، آنها به حمایت و مشارکت شرکای بین المللی و جامعه مدنی افغانستان که در تبعید به سر میبرند، نیاز دارند.

با سرمایه گذاری روی این نهادها از نظر ظرفیت سازی و ارائه حمایت مالی، آنها می توانند به کارهای مهم شان ادامه دهند و منجر به تغییرات مثبت در جوامع شان شوند. علاوه بر این، ایجاد یک فضای مناسب برای این نهادهای مدنی ضروری است که انها بتوانند در آن بدون ترس و محدودیت رشد کنند. حمایت از آنها شامل دادخواهی برای حقوق، تضمین امنیت و حفاظت از آنها، حضور شان در میز گفتگو در مورد آینده شان، میگردد. همچنین برای ایجاد یک جامعه فراگیر و باثبات در افغانستان، برای حل مشکلات موجود و ترویج ایده های بدیل، توجه به افکار و نظریات نهادهای مدنی تازه تأسیس ضروری است.

۷.۱. پیشنهاد ها

این بخش گزارش شامل پیشنهاد ها به جامعه تمویل کننده، سازمان‌های بین‌المللی که هنوز در افغانستان حضور دارند، دولت‌ها، سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط، اعضای جامعه مدنی افغانستان که در تبعید به سر میبرند و سایر نهادهای بین‌المللی غیردولتی است.

جامعه تمویل کننده:

- تسهیل و ساده سازی روند دریافت حمایت های مالی برای حمایت از فعالان مدنی در افغانستان به ویژه زنانی که توسط طالبان از کار ممنوع شده اند و منبع درآمد خود را از دست داده اند.
- برای حمایت از کمپین‌های بشردوستانه در سطح جامعه و سایر کمپین‌ها، بسته‌های مالی کوچک و متوسط را به جنبش‌های خودجوش مردمی اختصاص بدهند.
- علاوه بر توجه ویژه به اجتماعات تحت رهبری زنان، به خاطر رسیدگی به مردم افغانستان، بودجه برای توسعه و ظرفیت سازی جنبش‌های خودجوش مردمی در سطح کشور اختصاص دهید.
- بودجه ویژه ای را برای امنیت روانی و فیزیکی آن دسته از فعالان مدنی که در فضای چالش برانگیز مانند افغانستان که هر لحظه در معرض تهدید طالبان است، مخفیانه و آشکار به مبارزه خود ادامه می دهند، اختصاص دهید.
- حمایت از جنبش‌های خودجوش مردمی فعال را در اولویت قرار دهید تا برای انجام فعالیت های حیاتی خود کمک دریافت بتوانند. همچنان روند اعطای بودجه را قسمی تنظیم کنید تا به نهاد هایی که توانایی محدودی در نوشتن پروپوزل دارند، قابل دسترس باشد.

سازمان های بین المللی که در افغانستان حضور دارند:

- برای جنبش‌های خودجوش مردمی در زمینه های مدیریت، طرح برنامه، امنیت دیجیتال و فیزیکی، مدیریت پروژه و ارتباطات، آموزش ظرفیت سازی ارائه کنید تا آنها بتوانند به طور موثر کار خود را انجام دهند و از حقوق جوامع خود محافظت کنند.

- علاوه بر بلند بردن صدای اقلیت های به حاشیه رانده شده در جریان مذاکرات با طالبان و جامعه جهانی، جنبش‌های خودجوش مردمی و نهاد هی تحت رهبری زنان باید را در برنامه ریزی ها شامل ساخته و فرصت شرکت در جلسات تصمیم گیری را برای آنها فراهم کنید.

- اطمینان حاصل کنید که حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات سازمان ملل در نهادهای مربوطه شان به درستی رعایت شود. این اقدام تعهد تزلزل ناپذیر به حفاظت و امنیت این حقوق در افغانستان را تضمین خواهد کرد.

دولت ها:

- زنان افغانستان را در همه بحث ها، تربیون ها و تصمیم گیری ها در مورد آینده افغانستان سهم بدهید و اطمینان حاصل کنید که برای شرکت شان در چنین جلسات، تدابیری اتخاذ شده است.

- بودجه بلندمدت برای جنبش‌های خودجوش مردمی فعال در افغانستان اختصاص دهید تا فعالیت ها و پروژه های مرتبط با حقوق بشر در جوامع محلی افغانستان تطبیق شود.

- بر طالبان فشار وارد کنید تا به نهاد های جامعه مدنی احترام کنند، این اقدام نهادهای مدنی را قادر می سازد تا کارهای رفاهی شان را برای مردم افغانستان ادامه دهند.

- از طالبان بخواهید که فوراً دستگیری، شکنجه و کشتن فعالان مدنی را که متعهد به پیشرفت جامعه خود هستند، متوقف کنند. برای دستیابی به این اهداف در افغانستان، فشار مستمر بین المللی و دادخواهی ضروری است.

- نه تنها تحریم ها را بر طالبان و دیگر گروه هایی مانند آنها که در نقض سیستماتیک حقوق بشر دست دارند افزایش دهید، بلکه آنها را مجبور به پاسخگویی نقض این حقوق کنید.

- برای آزادی و امنیت فعالان مدنی دستگیر شده توسط طالبان دادخواهی جدی نموده و به طالبان نشان دهید که به سزای اعمال شان خواهند رسید.

- راه های امن و سریع برای خروج از افغانستان، از جمله ویزا به کشور های ثالث را برای آن دسته از فعالان مدنی افغان که زندگی آنها تحت حاکمیت طالبان در خطر است، تعیین کنید.

سازمان ملل:

- امنیت فعالان مدنی را در اولویت قرار دهید و در صورت اسیر شدن توسط طالبان برای رهایی فوری آنها اقدام کنید.

- به منظور شکل دادن به استراتژی یوناما در افغانستان و تعامل این مأموریت با طالبان، یک سلسله رایزنی های منظم را با گروه ها و گروه های مختلف افغان از جمله جنبش‌های خودجوش مردمی فعال در آنجا آغاز کنید. اصول و شرایط این گروه های متنوع را در هر گونه تعامل با طالبان در اولویت قرار دهید و اطمینان حاصل کنید که صدای گروه های مختلف افغانستان شنیده می شود.

جامعه مدنی افغانستان در تبعید و سایر سازمان های غیر دولتی بین المللی:

- صدای جنبش‌های خودجوش مردمی و آن معترضان زن که هنوز در داخل افغانستان به فعالیت های خود ادامه می دهند، را بلند کنید. اطمینان حاصل کنید که تمام درخواست ها برای شمولیت و مشارکت برابر آنها در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی افغانستان توسط جامعه جهانی شنیده و مورد توجه شان قرار بگیرد.

- ابزار های ظرفیت سازی را برای جنبش‌های خودجوش مردمی و اعضای فعال آنها در افغانستان فراهم کنید. آنها را در ادامه و گسترش کارشان کمک و راهنمایی و مشارکت آنها در فرآیندهای تصمیم گیری را تسهیل کنید.

- برای فعالان مدنی که به دلیل فعالیت‌هایشان در افغانستان در خطر هستند، ویزا و راه‌های خروج امن از افغانستان را بیابید و در کشورهایی که اسکان داده میشود، زمینه برای شان مساعد سازید که دوباره کار شان را آغاز کنند.

- به دادخواهی در سطح سازمان ملل متحد و دولت ها ادامه دهید تا که آنها نه تنها وضعیت حقوق بشر در افغانستان به ویژه (حقوق زنان) را ارزیابی بلکه طالبان و دیگرانی که حقوق بشر را نقض می کنند، پاسخگو سازند.

منابع

1. Bureau of South Asian Affairs; 'Elections in Afghanistan', U.S. Department of State Archives; 16 September 2005 <https://2001-2009.state.gov/p/sca/rls/fs/2005/53381.htm>. Inter-Parliamentary Union, 'Afghanistan: Wolesi Jirga (House of Representatives), Elections in 2005'; last accessed on March 29, 2024; http://archive.ipu.org/parline-e/reports/arc/2381_05.htm
2. Afghanistan: Freedom in the World 2020." Freedom House. 2020. <https://freedomhouse.org/country/afghanistan/freedom-world/2020>"
3. Turner, M., 2022. 'Opinion: A Year after US withdrawal, women in Afghanistan need our help'. *Austin American Statesman*, September 18, 2022. <https://www.statesman.com/story/opinion/columns/2022/09/18/afghan-women-are-under-repression-and-need-international-intervention/69498021007>
4. You Have No Right to Complain": Education, Social Restrictions, and Justice in Taliban-Held Afghanistan'; *Human Rights Watch*; June 30, 2020." <https://www.hrw.org/report/2020/06/30/you-have-no-right-complain/education-social-restrictions-and-justice-taliban-held>
5. 'I Wont Be a Doctor, and One Day You'll Be Sick": Girls' Access to Education in Afghanistan'; *Human Rights Watch*; October 17, 2017"<https://www.hrw.org/report/2017/10/17/i-wont-be-doctor-and-one-day-youll-be-sick/girls-access-education-afghanistan>
6. Education in Afghanistan'; USAID; November 8, 2018' <https://web.archive.org/web/20181110231403/https://www.usaid.gov/afghanistan/education>
7. Mitchell, D. F., 2017. 'NGO Presence and Activity in Afghanistan, 2000-2014: A Provincial-Level Dataset'. *Stability: International Journal of Security & Development*, 6 (1): 5, pp1-18, DOI: <https://doi.org/10.5334/sta.497>
8. Anand, A.; 'What did Afghan NGOs Achieve?'; *Civil Society Online*; last accessed April 1, 2024 <https://www.civilsocietyonline.com/column/here-now/what-did-afghan-ngos-achieve>
9. Deliso, M., Cohen, M., Martinez, L. and Watts, J.; 'What we know about US service members killed in Kabul Airport Attack'; *ABC News*; August 28, 2021; <https://abcnews.go.com/US/us-service-members-killed-kabul-airport-attack/story?id=79685589>
10. Bettencourt, A.; 'Grassroots organizations are just as important as seed money for innovation'; *UNHCR Innovation Service*; last accessed April 1, 2024; <https://www.unhcr.org/innovation/grassroots-organizations-are-just-as-important-as-seed-money-for-innovation>
11. Eqbal, S.; 'Women's Rights Activist, Zarifa Yaqoubi, Released After Over 5 Weeks of Detention'; *The Khaama Press News Agency*; December 12, 2022; <https://www.khaama.com/womens-rights-activist-zarifa-yaqoubi-released-after-over-5-weeks-of-detention-46753>
12. شهادت ظریفه یعقوبی، از شکنجه و آزار فعالین kjjyfالبان; *Afghanistan International*; March 1, 2024 <https://www.youtube.com/watch?v=ZOqpWnXMGBk>
13. ibid.
14. No Forgiveness for People Lie You": Executions and Enforced Disappearances in Afghanistan under the Taliban'; *Human Rights Watch*;" November 30, 2021; <https://www.hrw.org/report/2021/11/30/no-forgiveness-people-you/executions-and-enforced-disappearances-afghanistan>
15. Popalzai, E., Akbarzai, S. and Tawfeeq, M.; 'Taliban orders NGOs to ban female employees from coming to work'; *CNN World*; December 25, 2022; <https://edition.cnn.com/2022/12/24/asia/taliban-female-employees-ngos-intl/index.html>
16. Doucet, L.; 'Afghanistan: Taliban to set new rules on women's aid work, UN says'; *BBC News*; January 25, 2023 <https://www.bbc.com/news/world-asia-64387391>
17. Wintour, P.; 'Afghan aid at risk from Taliban ban on women warns United Nations'; *The Guardian*; January 6, 2023 <https://www.theguardian.com/world/2023/jan/06/afghan-aid-at-risk-from-taliban-ban-on-women-warns-united-nations>
18. Life and Death: NGO access to financial services in Afghanistan'; Norwegian Refugee Council; January 2022' https://www.nrc.no/globalassets/pdf/reports/life-and-death/financial-access-in-afghanistan_nrc_jan-2022.pdf
19. Non-Governmental Organizations: Annual Report 2018'; Islamic Republic of Afghanistan Ministry of Economy: Directorate of NGOs; January 27, 2021; <https://ngo.gov.af/assets/NGOsReportEnglish.pdf>
20. Afghanistan: Young People'; *UNFPA*; last accessed on April 1, 2024; <https://afghanistan.unfpa.org/en/node/15227#:~:text=About%2063.7%20percent%20of%20Afghans.young%20people%20is%20slowly%20emerging>
21. Hazim, M.; 'Going Back to Zero: How the Afghan Legal and Judicial System is Collapsing Under the Taliban Regime'; *Jurist: Legal News & Commentary*; March 7, 2022; <https://www.jurist.org/commentary/2022/03/mahir-hazim-afghan-legal-judicial-system-collapsing-taliban-regime/> https://www.constituteproject.org/constitution/Afghanistan_2004.pdf?lang=en
22. Afghanistan's Constitution of 2004'; *Constitute Project*; last accessed July 6, 2023' https://www.constituteproject.org/constitution/Afghanistan_2004.pdf?lang=en
23. Hazim, M.; 'Going Back to Zero: How the Afghan Legal and Judicial System is Collapsing Under the Taliban Regime'; *Jurist: Legal News & Commentary*; March 7, 2022; <https://www.jurist.org/commentary/2022/03/mahir-hazim-afghan-legal-judicial-system-collapsing-taliban-regime>

A barrier to securing peace: Human rights violations against former government officials and former armed force members in Afghanistan: 15' .47
August 2021 – 30 June 2023'; *United Nations Assistance Mission in Afghanistan*; 2023; <https://unama.unmissions.org/barrier-securing-peace-hr-violations-against-former-government-officials-former-armed-force-members>

Popalzai, E., Akbarzai, S. and Tawfeeq, M.; 'Taliban orders NGOs to ban female employees from coming to work'; *CNN World*; December 25, 2022; .48
<https://edition.cnn.com/2022/12/24/asia/taliban-female-employees-ngos-intl/index.html>

;The Taliban plans to adopt the 1964 constitution of Afghanistan. Terms and conditions apply'; *Times Now Digital*; September 30, 2021' .23
<https://www.timesnownews.com/international/article/the-taliban-plans-to-adopt-the-1964-constitution-of-afghanistan-terms-and-conditions-apply/818801><https://www.voanews.com/a/taliban-say-they-will-use-parts-of-monarchy-constitution-to-run-afghanistan-for-now/6248880.html>

;Afghanistan's Constitution of 1964; *Constitute Project*., last accessed July 6, 2023' .24
(Afghanistan 1964 Constitution - Constitute ([constituteproject.org](https://www.constituteproject.org)))

;Gul. A; 'Taliban Say They Will Use Parts of Monarchy Constitution to Run Afghanistan for Now'; *VOA News*; September 28, 2021 .25
<https://www.voanews.com/a/taliban-say-they-will-use-parts-of-monarchy-constitution-to-run-afghanistan-for-now/6248880.html>

.ibid .26

Hazim, M.; 'Going Back to Zero: How the Afghan Legal and Judicial System is Collapsing Under the Taliban Regime'; *Jurist: Legal News & Commentary*; March 7, 2022; <https://www.jurist.org/commentary/2022/03/mahir-hazim-afghan-legal-judicial-system-collapsing-taliban-regime> .27

;Tracking the Taliban's (Mis)Treatment of Women'; *United States Institute of Peace*; last accessed February 26, 2024' .28
<https://www.usip.org/tracking-talibans-mistreatment-women>

Afghanistan: Taliban directives and decrees affecting human rights and humanitarian actors'; *acaps*; April 21, 2023; https://www.acaps.org/fileadmin/Data_Product/Main_media/20230424_acaps_thematic_report_afghanistan_taliban_directives_and_decrees_0.pdf

;The Taliban's beauty salon ban will be major blow to women's financial independence'; *SBS News*; July 21, 2023' .29
<https://www.sbs.com.au/news/article/the-talibans-beauty-salon-ban-will-be-a-major-blow-to-womens-financial-independence/0im1h396gh><https://cof.org/country-notes/nonprofit-law-afghanistan>

;Five things you should know about Afghanistan'; *UNHCR USA*; August 15, 2022' .30
<https://www.sbs.com.au/news/article/the-talibans-beauty-salon-ban-will-be-a-major-blow-to-womens-financial-independence/0im1h396g>

Nonprofit law in Afghanistan'; *Council on Foundations*; October 2022; <https://cof.org/country-notes/nonprofit-law-afghanistan> .31

.ibid .32

.ibid .33

NGOs Law' (Article 35(2)); Islamic Emirate of Afghanistan, Ministry of Economy, Directorate of Non-Governmental Organizations (NGOs); last' .34
(accessed April 3, 2024; <https://ngo.gov.af/en/ngos-law>)

(ibid. (Article 36) .35

;Moore, D.; 'Taliban Governance of NGOs – What to Expect and How to Respond'; *Just Security*; October 15, 2021 .36
<https://www.justsecurity.org/78590/taliban-governance-of-ngos-what-to-expect-and-how-to-respond>

NGOs Law' (Article 19); Islamic Emirate of Afghanistan, Ministry of Economy, Directorate of Non-Governmental Organizations (NGOs); last' .37
(accessed April 3, 2024; <https://ngo.gov.af/en/ngos-law>)

;Moore, D.; 'Taliban Governance of NGOs – What to Expect and How to Respond'; *Just Security*; October 15, 2021 .38
<https://www.justsecurity.org/78590/taliban-governance-of-ngos-what-to-expect-and-how-to-respond>

.ibid .39

.ibid .40

NGOs Law'; Islamic Emirate of Afghanistan, Ministry of Economy, Directorate of Non-Governmental Organizations (NGOs); last accessed April 3,' .41
(2024; <https://ngo.gov.af/en/ngos-law>)

Ratification of 18 International Human Rights Treaties'; *United Nations Human Rights, Office of the High Commissioner*; last accessed April 3,' .42
(2024; <https://indicators.ohchr.org>)

Huquq and Human Rights'; *Afghanistan Ministry of Justice*; last accessed April 4, 2024; <https://moj.gov.af/en/huquq-and-human-rights>' .43

;Gul. A; 'Taliban Say They Will Use Parts of Monarchy Constitution to Run Afghanistan for Now'; *VOA News*; September 28, 2021 .44
<https://www.voanews.com/a/taliban-say-they-will-use-parts-of-monarchy-constitution-to-run-afghanistan-for-now/6248880.html>

;The United Nations Human Rights Treaty System'; *United Nations Human Rights, Office of the High Commissioner*; 2012' .45
<https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Publications/FactSheet30Rev1.pdf>

Under Article 4 of the ICCPR, it is possible for a party to this convention, such as Afghanistan, to derogate from their commitments in a time of .46
“public emergency which threatens the life of the nation”, which must have been publicly proclaimed. Furthermore, certain rights, including the rights to life and recognition as a person before the law, along with prohibitions on torture, inhumane or degrading treatment, slavery and arbitrary or unlawful interference with privacy, family or the home, cannot be derogated from in any instances. However, notably, the equal right of men and women to all civil and political rights, along with the right to equality without discrimination before the law, could be derogated from in these circumstances. However, despite considerable upheaval across the social, political and economic landscape of Afghanistan, no “state of emergency” has been declared by the Taliban in recent years nor has the proper procedure for triggering Article 4 been complied with, meaning .that derogation is not possible



FREEDOM NOW

Hogan
Lovells

www.hoganlovells.com

هوگان لولز یک "شرکت" حقوقی بین‌المللی است که شرکت های هوگان لولز انترنشنل ال ال پی، هوگان لولز یو اس ال ال پی و نهاد های همکار شان را نیز در برمیگیرد.
واژه "شریک" برای هر دو شرکت متذکره، تمام نهاد های وابسته به آن، کارمندان و مشاوران یا جایگاه معادل استفاده می شود.
افراد مشخص دیگر که به عنوان شریک شناسایی شده اند، اما عضویت هوگان لولز انترنشنل ال ال پی را ندارند، شامل این کتگوری نمیشوند.
برای اطلاعات بیشتر در مورد هوگان لولز، شرکا یا شرایط آنها به وبسایت (www.hoganlovells.com) مراجعه نمایید.
مطالعات موردی موجود در وبسایت، نتایج مشابه برای سایر مشتریان را تضمین نمیکند. آگهی در مورد وکیل های این نهاد نیز در دسترس است.
عکس ها کارمندان و وکلای فعلی یا سابق هوگان لولز و یا هم مثل های که هیچ ربطی به این شرکت ندارد را به تصویر میکشد.
هوگان لولز 2024. تمامی حقوق محفوظ است. 14508©